

نشریه نوسان شماره دوم  
انجمن علمی دانشجویی اقتصاد  
دانشگاه صنعتی شاهرود، دی ماه ۱۴۰۳

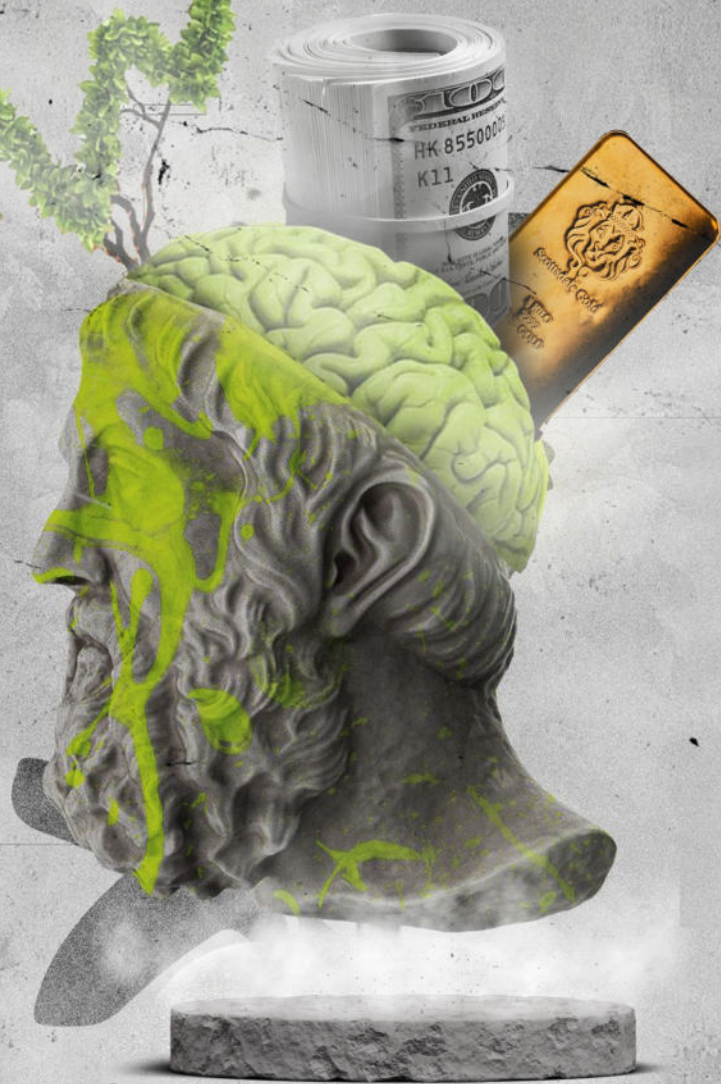
# نوسان

N A V A S A N

04.  
05.  
06.

در این شماره بخوانید:  
حذف صفر! خوب یا بد؟  
نان و بنزین و سبزی!  
کوپایلوت به یاری آمد!  
و....

04.  
05.  
06.







طرح جلد



**صاحب امتیاز:** انجمن علمی دانشجویی اقتصاد دانشگاه صنعتی شاهرود

**مدیر مسئول:** آرمین گویانی

**سرمدبیر:** آرمین گویانی

**تحریریه:** رسول مرزبانی مغانی  
امیر رضا اصغر زاده، علی سبزی  
ابوالفضل جورابچی، محدثه ذاقلی  
محسن فرخنده عمل اقدام  
پوریا حکیم پور جهان آبادی (مدیر تحریریه)  
حمیده محرمی، محمد هادی  
سید نیما نبوی چاشمی، سوگند ساداتی

**مدیر هنری:** کامران صادقی نژاد  
۰۹۹۱ ۰۱۰۰ ۵۰۹

**راه ارتباط:** arminkaviani@gmail.com  
۰۹۱۰ ۶۱۶ ۹۰ ۱۵

- مطالب نشریه بازتاب نظرات نویسندگان آن‌ها می‌باشد
- استفاده از مطالب ماهنامه با ذکر منبع مجاز است
- نوسان مشتاق نظرات، مطالب و یادداشت‌های تولیدی شما جهت انعکاس در شماره‌های بعدی می‌باشد.

**اقتصاد رفتاری ۸**

**ایران گرفتار دام در آمد سطح پایین ۱۲**

**سیر و تطور مفهوم عدالت در اقتصاد ۱۶**

**حذف صفر های پول ملی ۱۸**

**آیا می‌دانید؟ ۲۶**

**مصاحبه با کویپايلت! ۲۸**

**تراپ خود شیفته یا هریس دورو ۳۴**

**تاثیر افزایش قیمت بنزین بر سفره مردم ۳۶**





نوسان  
NAVASAN





# سرآغاز و "و"

با

درود و سپاس بیکران به

تمامی خوانندگان فرهیخته و ارجمند نشریه "نوسان"، بار دیگر افتخار آن را داریم که به همراه شما در دومین شماره از این نشریه اقتصادی قدم بگذاریم. روزهایی که در آن‌ها زندگی می‌کنیم، پرتلاطم و پراز تغییراتی است که نوسانات اقتصادی را در پی دارد. در چنین زمانه ای، آگاهی و بینش دقیق‌تر، همچون فانوسی روشن، راهگشای مسیرمان خواهد بود.

در این شماره، بر آن شدیم تا با گردآوری و تحلیل مباحث اقتصادی، زمینه‌ای برای تفکر و تأمل بیشتر فراهم آوریم. مقالاتی که پیش روی شماست، حاصل تلاش و دانش نویسندگان و دانشجویانی است که با عشق و دقت فراوان، به بیان پیچیدگی‌های دنیای اقتصاد پرداخته اند. موضوعاتی نظیر اثرات قیمت بنزین بر سفره مردم، بررسی حذف صفرهای پول ملی، و ایران گرفتار دام درآمد سطح پایین، تنها بخشی از آن چیزی است که در این شماره به آن پرداخته‌ایم. امید آن داریم که این شماره از "نوسان" بتواند یاری‌گر شما باشد و به ارتقای دانش و آگاهی شما کمک کند. نظرات و پیشنهادات شما همواره مشعل راه ما در بهبود و غنای بیشتر این نشریه خواهد بود.

با آرزوی روزهایی سرشار از شادی و کامیابی برای تمامی شما،

ارادتمند

مدیرمسئول و سردبیر؛ آرمین گاوپانی

دی ۱۴۰۳



432139!##curtidas  
#agenciareally



اقتصاد همچنین در دوره‌ای به شدت روی «عرضه و تقاضا» متمرکز بوده است. به این سوال‌ها توجه کنید: افزایش و کاهش تقاضا چه تأثیری روی قیمت محصول دارد؟ آیا قیمت همه محصولات، هنگام تغییر تقاضا به یک شکل تغییر می‌کند؟ آیا باید عرضه و تقاضا را رها کرد تا بازار خودبه‌خود به یک تعادل برسد؟ یا باید در قیمت‌ها دخالت کرد؟ (از طریق دولت، اصناف، اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های حمایت از مصرف‌کننده) موضوعات دیگری هم بوده‌اند که در دوره‌های مختلف، مرکز توجه اقتصاددان‌ها بوده‌اند و امروز هر یک، به فصلی از کتاب‌های درسی اقتصاد تبدیل شده‌اند و دانشجویان باید آن‌ها را بخوانند و بیاموزند. یکی از وجوه مشترک همه رویکردها، نگاهی خاص به انسان بوده است: موجودی کاملاً مکانیکی با رفتارهایی بسیار عقلانی. آن هم عقلانیتی الگوریتمی. انگار که یک کامپیوتر در مغز انسان‌ها قرار دارد و دائماً محاسبات پیچیده مالی و اقتصادی را انجام می‌دهد به مرور زمان مفهوم انسان اقتصادی شکل گرفت به گونه‌ای که بر عقلانیت تأکید داشت. با این حال تحلیل‌های روان‌شناسی در کنار تحلیل‌های ریاضیاتی ادامه یافت تا بسیاری از موضوعات را در زمان توسعه‌ی اقتصاد نئوکلاسیک توضیح دهد.

تحلیل‌های روان‌شناسی در کنار تحلیل‌های ریاضیاتی ادامه یافت تا بسیاری از موضوعات را در زمان توسعه‌ی اقتصاد نئوکلاسیک توضیح دهد.

در سال ۱۹۷۹ کانمن و تورسکی دو اقتصاددان آمریکایی مقاله‌ای با عنوان نظریه دورنما: تصمیم‌گیری در شرایط ریسک منتشر کردند که در آن از روش‌های روان‌شناسی شناختی برای توضیح شماری از پدیده‌های غیرمعمول در چارچوب تصمیم‌گیری بر مبنای اقتصاد عقلایی استفاده کردند که نقطه‌ی عطفی در توسعه‌ی تحقیقات در حوزه اقتصاد رفتاری بود شد.

# اقتصاد رفتاری

نویسندگان

امیررضا اصفرزاده  
محمد هادی

سید نیمانبوی چاشمی  
دانشجویان کارشناسی اقتصاد  
دانشگاه صنعتی شاهرود



ما امروزه در جامعه‌ای با پیچیدگی‌های خاص مواجه هستیم؛ این پیچیدگی‌ها عموماً مربوط به احساسات، اخلاق، رفتار و جریان‌های فردی و اجتماعی افراد آن جامعه است که با وارد شدن انسان‌ها به عصر تکنولوژی‌های مدرن مانند هوش مصنوعی و فراگیری شبکه‌های اجتماعی در سطوح جهانی این پیچیدگی‌ها و گاه‌گسست‌ها در جامعه ملموس‌تر شده است، با گسترش این جریان‌ها و ترکیب شدن حوزه‌های مختلف علمی از جمله اقتصاد، روانشناسی و جامعه‌شناسی ما شاهد گسترش مفهومی هستیم که امروزه به عنوان اقتصاد رفتاری از آن یاد می‌شود.

برای اولین بار این مفهوم را به تعبیر امروزی آدام اسمیت (۱۷۹۰-۱۷۲۳) مطرح کرد و در طول زمان توسط جان مینارد کینز (۱۹۴۶-۱۸۸۳) و ایروینگ فیشر (۱۹۴۷-۱۸۶۷) در دهه ۱۹۳۰ میلادی (نه به تعبیر امروز) استفاده شد بعد از آن بسیاری از اقتصاددانان حتی تصور می‌کردند که روانشناسی پس از دوران نخستین خود باید نقش مهمی در اقتصاد بازی کند.

پارتو (۱۹۲۳-۱۸۴۸) نوشت که بنیاد اقتصاد سیاسی و به‌طور کلی یک علم اجتماعی نزدیک به روان‌شناسی است و یک روز ممکن است بیاید که ما بتوانیم قوانین علوم اجتماعی را از اصول روان‌شناسی بازشناسیم. اقتصاد تا سال‌های روی تولید متمرکز بوده است. سوال‌هایی که آن زمان اقتصاددان‌ها به دنبالش بودند این بود که قیمت تمام‌شده محصول چقدر است؟ چگونه می‌توان این قیمت را کاهش داد؟ عوامل تولید (زمین، تجهیزات، نیروی انسانی، دانش و ...) چه سهمی در قیمت تمام‌شده دارند؟





معنی است که نمایندگان دارای توانایی‌های شناختی بی‌نهایت هستند یا به روش دیگری شبیه به هوشمندترین اقتصاددان هستند و قدرت اراده بی‌نهایت آنها به این دلیل است که آنها بهترین چیز را انتخاب می‌کنند نه آنچه لحظه‌ای وسوسه کننده است.

۳. گرچه ممکن است آنها به‌طور فداکارانه عمل کنند خصوصاً نسبت به دوستان نزدیک و خانواده، ولی انگیزه اصلی آنها منافع شخصی است. لذا مفروضاتی است که ... هومو اکونومیکتوس را تعریف می‌کند یا می‌توان آنها را اقتصاد نامید. اقتصاد رفتاری با حوزه انسان و رفتارهای او شناخته می‌شود. بسیاری از اقتصاددانان، اقتصاد را در یک اقتصاد انتزاعی به جای انسان مطالعه می‌کنند اما همیشه این‌گونه نیست و با پژوهش‌های گسترده به این نتیجه رسیدند بایستی طبیعت، احساسات، اخلاقیات و حتی انگیزه‌های انسانی در مسیر اقتصادی را نیز ملاک قرار دهند پس بر این فرض استوار است که انسان‌ها موجوداتی معمولاً منطقی هستند که تحت تاثیر سوگیری‌های شناختی و ترجیحات رفتاری قرار می‌گیرند و ترجیحات رفتاری می‌توانند بر تصمیم‌گیری‌های افراد تاثیر گذار باشند، حتی اگر آن تصمیمات از لحاظ اقتصادی بهینه شمرده نشوند انگیزه‌های اقتصادی نقش مهمی در شکل‌دهی به رفتار اقتصادی افراد و سازمان‌ها دارند. این انگیزه‌ها معمولاً به شکل سودآوری، کاهش هزینه‌ها، افزایش درآمد و بهره‌وری بالاتر ظاهر می‌شوند و به عنوان محرک‌های اصلی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی عمل می‌کنند. افراد و شرکت‌ها بر اساس انگیزه‌های اقتصادی تصمیم می‌گیرند که چگونه منابع خود را تخصیص دهند، چه کالا یا خدماتی را تولید یا مصرف کنند و چگونه در بازارها فعالیت داشته باشند. به عنوان مثال، کسب سود بیشتر یا بهره‌وری بالاتر ممکن است افراد را تشویق به سرمایه‌گذاری، کاهش هزینه‌ها یا جستجوی فرصت‌های جدید کند و در سطح کلان نیز، انگیزه‌های اقتصادی تاثیر زیادی بر نرخ رشد اقتصادی، اشتغال و نوآوری دارند پس میتوان گفت اقتصاد رفتاری با بهره‌گیری از علوم روانشناسی به بهبود تصمیم‌گیری‌های اقتصادی افراد و سازمان‌ها کمک می‌کند و کاربرد به‌سزایی در برخی مسائل نظیر بازاریابی و فروش، رشد سرمایه‌گذاری و سیاست‌گذاری عمومی دارد. در کل در کل انسان‌ها دارای منابع شناختی محدودی هستند و نمی‌توانند تمام اطلاعات موجود را پردازش کنند. این امر ممکن است تصمیم‌گیری‌هایی منجر شود که از نظر اقتصادی بهینه نباشند اینجاست که اقتصاد رفتاری وارد می‌شود تا با بررسی موارد ذکر شده راه‌حل مناسبی برای این مسائل پیدا کند، امروزه کشور های توسعه یافته توجه بسیار زیادی بر این امر دارند و از آن به عنوان راه حلی برای سوق دادن جامعه‌شان به سمت مسیر توسعه و پیشرفت استفاده می‌کنند.

گسترده‌گی تحقیقات مالی و یافتن پدیده‌های غیرمعمول و استثنائات در واقعیت‌های بازار سهام و به‌طور گسترده‌تری در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری که نمونه‌های متعارف در نظریه‌های پیشرفته سرمایه‌گذاری قادر به تبیین آن نبودند، محققان را به سمت نظریه‌های رفتاری رهنمون ساخت.

دی‌بونت و تیلر در سال ۱۹۸۵ نشان دادند وقتی سهام بر مبنای بازدهی سه تا پنج سال به شکل تاریخی رتبه‌بندی می‌شوند، سهامی که در گذشته بازدهی بیش‌تری داشته‌اند در سال‌های بعد بازدهی کم‌تری ارائه داده‌اند، البته آن‌ها این رفتار بازدهی را به عکس‌العمل بیش از حد و کم‌تر از حد سرمایه‌گذاران نسبت داده‌اند؛ به عبارت دیگر سرمایه‌گذاران در مقابل برندگان بیش از حد خوش‌بین و در مقابل بازندگان بیش از حد بدبین بوده‌اند که البته همین امر خود منجر به فاصله‌ی قیمت‌های ذاتی و قیمت‌های بازار می‌شود این تحقیق و نتایج به دست آمده باعث شد جرعه نوشتن کتابی تحت عنوان کج رفتاری: شکل‌گیری اقتصاد رفتاری توسط ریچارد تیلر شد که به عقیده بعضی‌ها مهم‌ترین کتابی که سیر تکوین و شکل‌گیری اقتصاد رفتاری را تشریح می‌کند می‌باشد، تیلر بعدها برای نوشتن این کتاب و پژوهش‌هایش در زمینه اقتصاد رفتاری برنده جایزه نوبل در سال ۲۰۱۷ شد.

در تعریف ساده اقتصاد رفتاری مبتنی بر مشاهدات تجربی رفتار انسان بوده که نشان می‌دهد مردم همیشه آن‌چه را که اقتصاددانان تصمیم عقلانی یا بهینه می‌دانند، دریافت و برای زندگی خود استفاده نمی‌کنند؛ حتی در صورتی که اطلاعات و ابزارهای موجود برای انجام آن را در اختیار داشته باشند. به عنوان مثال، بررسی این که چرا مردم اغلب از سرمایه‌گذاری روی خود نظیر ورزش کردن اجتناب کرده یا آن را به تعویق می‌اندازند، موضوعی بسیار مهم است، گاهی اوقات افراد می‌دانند انجام برخی امور به سودشان است، اما از انجام آن اجتناب می‌کنند.

حوزه اقتصاد رفتاری با طرح پرسش‌هایی در این باب و نیز شناسایی پاسخ‌ها از راه آزمایش، افراد را انسان‌هایی می‌داند که در معرض احساسات و تکانشگری هستند و تحت تاثیر محیط و شرایط خود قرار دارند. اصلی‌ترین پرسش در مورد اقتصاد رفتاری اینست که ما با چه ابزار اقتصادی می‌توانیم با حوزه غیر رفتاری مقابله کنیم؟ پاسخ به این سوال در مفروضات خاصی درباره رفتار انسان مطرح‌شده که در نظریه اقتصادی نئوکلاسیک ساخته شده است. این فرضیه‌ها برای اکثر دانشجویان تئوری اقتصادی آشنا هستند که شامل:

۱. نمایندگان ترجیحات و باورهای بی‌طرفانه و انتظارات را به خوبی تعریف کرده‌اند.
۲. آنها انتخاب‌های بهینه را بر اساس این باورها و ترجیحات انتخاب می‌کنند؛ این به نوبه خود به این





از دهه ۱۹۵۰، رشد سریع به تعداد قابل توجهی از کشورها اجازه داده است تا به وضعیت درآمد متوسط دست یابند. با این حال، تعداد بسیار اندکی جهش اضافی لازم برای تبدیل شدن به اقتصادهایی با درآمد بالا را انجام داده اند. در عوض، بسیاری در موردی که به آن دام درآمد متوسط می‌گویند گیر کرده‌اند (اصطلاحی که ظاهراً توسط کیل، خاراس و همکاران (۲۰۰۷) ابداع شده است)، که عموماً پس از دوره ای با افزایش مداوم درآمد سرانه، با کاهش شدید رشد مشخص می‌شود. در حقیقت دام درآمد متوسط وضعیتی است که یک کشور به سطح متوسطی از درآمد دست یافته ولی پتانسیل رشد اولیه که مبتنی بر استفاده از منابع موجود بوده به پایان رسیده است و عملکرد بخش‌های اقتصادی دیگر قادر نیست که درآمد سرانه را به سطح بالاتری افزایش دهد (Tomasz Mickiewicz, ۲۰۲۳).

نواوری یکی از عوامل بسیار مهم و موثر در استمرار رشد و توسعه یک جامعه است. اگر نواوری و خلاقیت به نحو موفقیت آمیزی تداوم نداشته باشد، کشور به جای ورود به سطح کشورهایی با درآمد بالا، با کاهش سرعت رشد مواجه خواهد شد. این وضعیت موجب می‌شود که شکاف بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته ثابت باقی بماند یا حتی در طول زمان تعمیق شود.

بسیاری از بحث‌های اولیه در مورد تله‌های درآمد متوسط بر تجربه آمریکای لاتین، خاورمیانه و شمال آفریقا و به ویژه شرق آسیا متمرکز شده است. ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی و نهادی بسیار مهم و سرنوشت ساز هستند. تاریخ نشان می‌دهد که کشورهای مختلف گاه به دلیل تفاوت در تصمیمات سیاسی و اجتماعی دو مسیر مجزا را در تحولات اقتصادی طی کرده‌اند. باتوجه به تغییرات GDP سرانه کشورها یک نمونه از کشورهای در حال توسعه که در آنها دوره‌هایی از رشد سریع دیده می‌شود ولی زمانی که به سطح درآمد متوسط می‌رسند کاهش رشد اقتصادی اتفاق می‌افتد، می‌توان مکزیک و برخی از کشورهای آمریکای لاتین را نام برد. این درحالی است که هفتاد سال گذشته کره جنوبی و تایوان جزو فقیرترین کشورهای جهان محسوب می‌شدند. اما امروزه جزو پیشرفته‌ترین کشورهای جهان هستند. بنابراین توسعه طولانی مدت موفق امکان پذیر است اما بسیار نادر است. باتوجه به نمودار فوق می‌توان گفت علت کاهش شدید درآمد سرانه ایران در دهه ۱۹۹۰ کاهش قیمت جهانی نفت و کاهش درآمدهای ارزی بوده که همراه با افزایش بدهی‌های خارجی کشور، به کاهش میزان واردات و تولید در کشور منجر شده است.

هر چند درآمد سرانه ترکیه در طی یک دهه گذشته فراز و نشیب‌های بسیاری داشته ؛ ولی پس از کاهش در اوایل سال‌های دهه ۲۰۰۰ پیشرفت قابل توجهی را در سال‌های پایانی این دهه تجربه کرده است. از جمله دلایل رشد چشمگیر ترکیه را می‌توان ثبات و امنیت و ایجاد فرصت‌های کسب و کار برای بخش خصوصی، جذب گردشگران خارجی، تلاش برای کسب اعتبار بین‌المللی و تشویق نواوری و خلاقیت اشاره کرد. درآمد سرانه ترکیه پس از سال ۱۹۹۰ همواره بالاتر از ایران بوده است. در مجموع در بررسی وضعیت این دو کشور و مقایسه آن با میانگین جهانی می‌توان گفت ترکیه به میانگین جهانی نزدیک شده است اما جزو کشورهایی که در دام درآمد سطح متوسط گرفتار گشته و در سال‌های اخیر دوباره به پایین میانگین جهانی بازگشته است.

درآمد نفتی، تحریم و دام درآمد سطح پایین با بررسی کشورهای فوق‌حال می‌توان وضعیت ایران را بطور دقیق‌تری مورد بررسی قرار داد. باتوجه به آخرین گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۲۳، لغو تحریم‌های اقتصادی در سال ۲۰۱۵ فرصت‌های جدیدی را برای تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی ایجاد کرد و اقتصاد کشور را رونق بخشید.



## ایران گرفتار دام درآمد سطح پایین

حمیده محرمی  
دانشجو دکتری اقتصاد دانشگاه مازندران



## اهمیت رشد صادرات High Tech

صادرات های تک کره جنوبی بسیار فراتر از میانگین جهانی است و روند صعودی مشهودی نیز دارد. نمودار ۳ نشان می‌دهد که کره جنوبی سهم بسزایی در نوآوری، خلاقیت و صادرات مبتنی بر تکنولوژی بالا دارد که همواره بالاتر از میانگین جهانی بوده است. صادرات فناوری پیشرفته کره جنوبی نیز در دوره ۲۰۰۸-۲۰۲۲ افزایش یافته و به بیش از ۹۸/۵ میلیارد دلار آمریکا در سال ۲۰۲۲ رسیده است. سهم صادرات های تک از کل صادرات کره برابر ۱۶/۹ درصد بوده است. این توانایی بر میزان درآمد این کشور هم تاثیر مثبت گذاشته است. به همین جهت کره جنوبی جزو کشورهایی با درآمدی بسیار فراتر از میانگین جهانی است.

به نقل از اتاق ایران آنلاین در سال ۱۴۰۲ در نیمه اول این سال میانگین ارزش صادراتی هر تن محصول اولیه ۴۲۵ دلار و محصول مبتنی بر منابع ۲۰۸ دلار بوده است. در همین مدت زمان، هر تن کالای صادراتی با فناوری سطح متوسط ۴۶۰ دلار و فناوری پایین به طور متوسط ۸۲۱ دلار قیمت داشته است. این در حالی است که در همین دوره زمانی هر تن کالای صادراتی با فناوری سطح بالا به طور میانگین بیش از ۱۰ هزار دلار قیمت داشته است.

به نقل از ایسنا بر اساس گزارش جهانی پیش‌بینی تأمین مالی تحقیق و توسعه ۲۰۲۲، سهم تحقیق و توسعه ایالات متحده آمریکا از تولید ناخالص داخلی ۳/۰۷ درصد و سهم ایران ۰/۸۵ درصد بوده است و ایران در جایگاه ۲۹ جهان قرار گرفته دارد. آمارها حاکی از آن است که در سال ۲۰۲۱ نیز، میانگین شدت تحقیق و توسعه جهان، بیش از ۴/۳ برابر شدت تحقیق و توسعه ایران بوده است. ( ایسنا کد خبر : ۱۴۰۲۱۲۱۱۰۷۴۲۵). به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت به نقل از روح الله دهقانی معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری وضعیت شاخص شدت تحقیق و توسعه در کشور رضایت بخش نیست و بیان کرده است سهم تحقیق و توسعه از GDP در کشور ۰/۸ درصد است این در حالی است که مقام معظم رهبری بارها بر رسیدن به عدد ۳ و حتی ۴ درصد تاکید کرده اند( سایت دولت کد خبر : ۴۳۹۳۶۴).

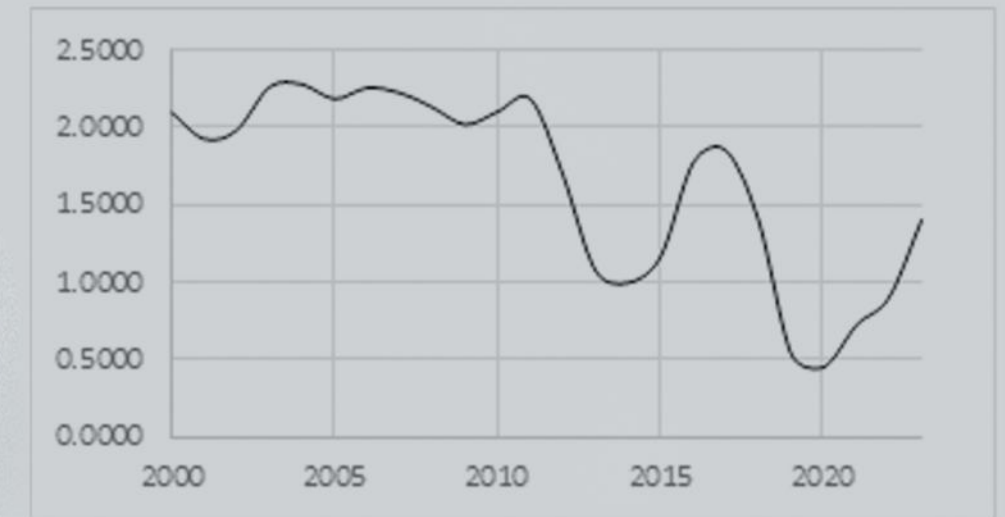
به گزارش رصدخانه مهاجرت با توجه به داده های کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در سال ۲۰۲۲ تعداد کل پناهندگان جهان ۲۹/۴ میلیون نفر بوده است که ۱۲۲ هزار نفر از این تعداد را ایرانیان تشکیل می‌دهند. همچنین تعداد درخواست های جدید ارسال شده در این سال برابر ۱/۱ میلیون نفر بوده که ۲۹/۶ هزار نفر آنان را ایرانیان تشکیل می‌دهند.

لازم است کشور برای تحقق رشد بالا و استمرار آن به بخش خلاقیت، نوآوری و صادرات کالاهای پیشرفته متمرکز شود، همچنین باید در جهت تقویت نهادهایی که به جای تمرکز و وابستگی به درآمد نفتی و صادرات مواد خام به بحث نوآوری، خلاقیت، اقتصاد رقابتی، همکاری هرچه بیشتر بخش خصوصی و دولتی، استراتژی مشخص در تولید محصولات با فناوری بالا، ارتباط تنگاتنگ میان صنعت و دانشگاه، تخصیص بودجه بیشتر به بخش تحقیق تلاش نمود.

نمودار ۳ صادرات High Tech (درصد صادرات تولیدی)(۲۰۰۷-۲۰۲۱)

منبع: worldbank.org

اعمال مجدد تحریم ها در سال ۲۰۱۸ بسیاری از این دستاوردها را معکوس کرد. علیرغم برخی تلاش‌ها برای تنوع‌بخشی، اتکای مستمر به درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز، پیشرفت اقتصادی ایران را با مشکل مواجه کرده است (World Bank, ۲۰۲۲b, ۲۰۲۳a). همچنین باتوجه به این گزارش با ترکیب تحریم ها و کاهش قیمت نفت در اواخر سال ۲۰۱۸، همراه با تأثیر کووید-۱۹، باعث کاهش ناگهانی درآمد شد و درآمدها از ۱۶ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۱ به ۷ درصد در سال ۲۰۲۰ کاهش یافت (IMF ۲۰۲۱). سطح قیمت‌ها، به‌ویژه مواد غذایی، در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۳ و دوباره در سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۹ تقریباً دو برابر شده است، با افزایش قیمت‌ها به دلیل COVID-۱۹ بخصوص افزایش قیمت مواد غذایی به طور نامتناسبی بر فقیرترین افراد تأثیر می‌گذارد. پنج دهک پایین خانوارهای ایرانی از نظر مصرف، ۴۵ درصد از بودجه خود را در سال ۲۰۲۱-۲۰۲۰ صرف غذا کرده اند، در حالی که پنج دهک بالای درآمدی، ۲۶ درصد را صرف غذا کرده اند.



با این وجود در دو سال اخیر در طی سال های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ با وجود افزایش درآمد نفتی ایران نسبت به سال های قبل اما اقتصاد کشور از تحرک و رشد کافی برخوردار نبوده است. درحقیقت می‌توان گفت افزایش درآمد نفتی دیگر نمی‌تواند اقتصاد را تکان بدهد و تاثیرگذاری زیادی داشته باشد. ضروری است کشور به سمت اقتصاد رقابتی و جذب نوآوری حرکت کند که البته این حالت رمز پیروزی کشورهای آسیای شرقی همچون کره جنوبی است.

با این وجود در دو سال اخیر در طی سال های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ با وجود افزایش درآمد نفتی ایران نسبت به سال های قبل اما اقتصاد کشور از تحرک و رشد کافی برخوردار نبوده است. درحقیقت می‌توان گفت افزایش درآمد نفتی دیگر نمی‌تواند اقتصاد را تکان بدهد و تاثیرگذاری زیادی داشته باشد. ضروری است کشور به سمت اقتصاد رقابتی و جذب نوآوری حرکت کند که البته این حالت رمز پیروزی کشورهای آسیای شرقی همچون کره جنوبی است.



مفهوم عدالت اجتماعی از هزاره‌های گذشته همواره مورد توجه اندیشمندان و مردم قرار می‌گرفته و از جمله مفاهیم مرکزی در هرگونه اندیشه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز بوده است. حال پرسشی که من خ، اهان طرح آن در این نوشتار هستم این می باشد: <<که آیا ما به راستی دچار کج فهمی و برداشتی غلط و ناراست از عدالت هستیم؟>>

عدالت اجتماعی؛ این مفهوم مجادله انگیز و جنجالی که ظاهراً اولین بار جان استوارت میل از آن به عنوان <<عدالت توزیعی>> نام برد، به راستی چیست؟ به قول فون هایک: <<هیچ دو نفری نمی توانند توافق کنند که عدالت اجتماعی چیست؟!>> اما عقیده من این است که عدالت اجتماعی چیزی جز بدعت و تعریفی ....

سوسیالیست خواهانه از عدالت نیست! آنچه در جامعه ما پذیرفته شده تصور مبهمی از توزیع اجتماعی <<عادلانه>> یا <<مناسب>> امکانات و ثروت‌ها بدون توجه به اینکه در چه شرایطی و با چه معیاری توزیع، عادلانه تلقی می‌گردد. برای مثال تعریفی که از عدالت می شود و مورد تایید سوسیالیست‌ها نیز می باشد توزیع برابر درآمدهاست. آنها می‌گویند اگر یک دلار از ثروتمندی بگیرید و آن را به فقیری بدهید در این جا مطلوبیتی ایجاد شده است و وظیفه این امر خطیر را نیز به دولت محول کرده اند! کیست که بتواند مطلوبیت رل برای دیگری تعیین که این گونه استدلال می کنید؟ این ایده بسیار نادرست و خطرناک می‌باشد، در جامعه‌ای که دولت در آن دخالت می‌کند و اقتصاد را دستوری می‌کند اکثریت ثروتمندان آنهایی هستند که سرمایه ای نامشروع دارند چون آن را به کمک رانت دولتی به دست آوردند و نه با رقابت در یک سیستم اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد.



### نویسنده

علی سبزی  
دانشجوی کارشناسی مهندسی آب  
دانشگاه صنعتی شاهرود

ادعایی که سوسیالیست‌ها همواره در باب توزیع عادلانه کالا و خدمات مطرح کرده‌اند اما برهانی منطقی برای آن نیاورده‌اند این می‌باشد که اگر سیستمی مرکزی عهده‌دار توزیع کالا و خدمات شود اینگونه می‌توان به آن ایده آرمانی توزیع برابر رسید.

که اینجا جای دارد در رد این ادعا نقل قولی از مقاله سراب عدالت اجتماعی از دیدگاه هایک، نوشته دکتر موسی غنی‌نژاد ذکر کنم: <<اقتصاد بازار مبتنی بر مکانیسم قیمت هاست و این مکانیسم عبارتست از علائمی برای تولیدکنندگان که برای خودشان روبسوی تولید کالاهایی آورند که افراد جامعه بیشترین نیازمندی یا تقاضا را برای آنها دارند، مکانیسم قیمتها راهنمای اولویتهای تولیدیست و از این طریق حداکثر خدمت ممکن را برای بیشترین تعداد افراد فراهم می آورد مکانیسم قیمتها اطلاعات، مربوط به اولویت خواسته‌ها های افراد (مصرفکنندگان) جامعه را به تولیدکنندگان منتقل می‌کنند و اساساً نوعی سیستم اطلاع رسانی است و هیچ ربط مستقیمی به توزیع به عنوان مقصودی خاص ندارد. چگونگی توزیع نتیجه تبعی آشتی بین خواسته های مصرف کنندگان و تولیدکنندگان است و وضعیت ان بهیچ وجه از تزل قابل پیشبینی نیست حال اگر یک اقتدار مرکزی (مثلاً حکومت) بخواهد یک

وضعیت معین توزیع (عدالت و نامتجانسی تبدیل حکومت اجتماعی) را هدف قرار دهد به ناچار سیستم اطلاع رسانی مکانیسم قیمتها را برهم میزند و کارایی بازار را از آن مگیرد. بازار رقابتی است. کشورهای سیستمی مرکزی عهده‌دار توزیع کالا و خدمات شود اینگونه می‌توان به آن ایده آرمانی توزیع برابر رسید. که اینجا جای دارد در رد این ادعا نقل قولی از مقاله سراب عدالت اجتماعی از دیدگاه هایک، نوشته دکتر موسی غنی‌نژاد ذکر کنم: <<اقتصاد بازار مبتنی بر مکانیسم قیمت هاست و این مکانیسم عبارتست از علائمی برای تولیدکنندگان که برای خودشان روبسوی تولید کالاهایی آورند که افراد جامعه بیشترین نیازمندی یا تقاضا را برای آنها دارند، مکانیسم قیمتها راهنمای اولویتهای تولیدیست و از این طریق حداکثر خدمت ممکن را برای بیشترین تعداد افراد فراهم می آورد مکانیسم قیمتها اطلاعات، مربوط به اولویت خواسته‌ها های افراد (مصرفکنندگان) جامعه را به تولیدکنندگان منتقل می‌کنند و اساساً نوعی سیستم اطلاع رسانی است و هیچ ربط مستقیمی به توزیع به عنوان مقصودی خاص ندارد. چگونگی توزیع نتیجه تبعی آشتی بین خواسته های مصرف کنندگان و تولیدکنندگان است و وضعیت ان بهیچ وجه از تزل قابل پیشبینی نیست حال اگر یک اقتدار مرکزی (مثلاً حکومت) بخواهد یک

نکته مهمی که درباره جوامعی مانند جامعه ما که هنوز بتوسعه اقتصادی پایداری دست نیافته اند باید مورد تأکید قرار گیرد اینست که خلط آرمان عدالت اجتماعی با مفهوم قدیمی عدالت توزیعی و سیاسی نموده است. اتخاذ در عمل منتهی با اتخاذ سیاستهای ضد توسعه اجتماعی بعنوان یکی از آخرین بدین معنی که دستاوردهای انسانی تمدن برای آنها دارند، مکانیسم پیوندی ناگفته و شاید قیمتها راهنمای اولویتهای ناخواسته بین نیروهای تولیدیست و از این طریق حداکثر خدمت ممکن را برای بیشترین تعداد افراد فراهم می آورد مکانیسم قیمتها اطلاعات، مربوط به اولویت خواسته‌ها های افراد (مصرفکنندگان) جامعه را به تولیدکنندگان منتقل می‌کنند و اساساً نوعی سیستم اطلاع رسانی است و هیچ ربط مستقیمی به توزیع به عنوان مقصودی خاص ندارد. چگونگی توزیع نتیجه تبعی آشتی بین خواسته های مصرف کنندگان و تولیدکنندگان است و وضعیت ان بهیچ وجه از تزل قابل پیشبینی نیست حال اگر یک اقتدار مرکزی (مثلاً حکومت) بخواهد یک

وضع موجود تلقی میکنند و در سخن انتهای این نوشتار لازم می بینم به نکته ای اشاره کنم، اینکه عدالت، بدون آزادی اجتماعی و مدنی کمیت آن لنگ خواهد بود و در واقع مفهوم پوچ و عبث خواهد شد. هنگامی که جای قانون را تمامیت خواهی های پوپولیستی همچون شوروی سوسیالیستی، ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان و یا ایتالیای فاشیستی بگیرد، آزادی سلاخی آرمان های توهمی و اقتدارگرایانه خواهد شد. کی آن سوسیالیسم ناب وعده داده شده را خواهیم دید؟





# حذف پول ملی

حدوداً در دهه ۸۰ بود که ستادی با عنوان ستاد راهبردی اقتصادی با حضور جمعی از معاونان رییس جمهور وقت و وزرای اقتصادی و تعدادی از اقتصاددانان در نهاد ریاست جمهوری شروع به کار کرد. ستاد یاد شده همه هفته جلسات منظمی را با حضور رئیس جمهور برگزار نمود، مشکلات اقتصاد کشور و ریشه های آنها مورد بررسی قرار گرفت و کارشناسان دستگاه ها حاصل

مطالعات و بررسیهای خود را به ستاد گزارش نمودند. با توجه به مباحث کارشناسی ریشه های اصلی مشکلات به شرحی که در پی می آید، شناسایی شدند و

چگونگی حل آنها مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه تلاش صورت پذیرفته به منظور سازماندهی مناسب برای طراحی و حل مشکلات هیات وزیران کارگروهی مرکب از چهار تن از معاونان رییس جمهور نه وزیر رئیس کل بانک مرکزی و سه اقتصاددان را بر اساس اصول ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۳۸ قانون اساسی مسئول این کار نمود. همچنین دبیرخانه کارگروه در محل نهاد ریاست جمهوری تشکیل شد شیوه نامه اجرایی کارگروه در تاریخ ۳۱/۲/۱۳۸۷ تصویب شد که در آن بر اصلاح هفت نظام «کلیدی به منزله محورهای اصلی طرح به شرح زیر معرفی شدند

اصلاح نظام یارانه ها، مالیاتی، گمرکی، بانکی، توزیع کالا و خدمات، ارزش گذاری پول ملی



با پیروزی دکتر احمدی نژاد در انتخابات دهم ستونهای اجرای طرح تحول اقتصادی محکم تر گردید و این طور که گفته میشود هدف از اجرای این طرح بر طرف کردن مشکلات اساسی اقتصادی که شامل عدم رشد با ثبات، اقتصادی، بیکاری، تورم، اتلاف منابع و فقدان عدالت اجتماعی در کشور است. با توجه به اینکه طرح هدفمند کردن یارانه ها به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و حذف صفر از پول ملی که در حوزه اصلاح نظام ارزش گذاری پول ملی می باشد و مربوط به اقتصاد است



بر آن شدیم تا قسمتی از این نشریه را به آن اختصاص دهیم به امید آنکه مفید واقع گردد. در ابتدا تاریخچه ای از این طرح در جهان و ایران و سپس کمی در مورد تورم صحبت میکنیم و آنگاه به سراغ مزایا و معایب و دلایل موافقان و مخالفان این طرح میرویم. حذف صفر واحد پولی کشورها نخستین بار در آلمان و پس از جنگ جهانی دوم رخ داد. این کشور زیر فشار اقتصادی ناشی از جنگ جهانی دوم و خسارت های بر جای مانده از آن، تورمی شدید را تجربه میکرد به طوری که در آن زمان اسکناس ۵۰ میلیون مارکی چاپ شد که سیاستگذاران اقتصادی آلمان را وادار به حذف صفرها از مارک کرد.

تا کنون ۷۱ مورد تغییر واحد پولی به عبارتی حذف صفرها از واحد پولی در بیش از ۵۰ کشور جهان صورت گرفته است. در این مدت حذف صفر از یک صفر در ۱۴ کشور تا ۶ صفر در ۹ کشور وجود داشته است. یکباره نوزده کشور....



یکبار اقدام به حذف صفر کرده اند، ۱۰ کشور ۲ بار، آرژانتین طی ۴ بار ۱۳ صفر، یوگسلاوی سابق ۵ بار و برزیل طی ۶ بار ۱۸ صفر از واحد پول خود کاهش داده اند. دولت کشور مکزیک به منظور سهولت در مبادلات و آسان سازی بیان قیمت ها بر حسب پول ملی در سال ۱۹۹۳ اقدام به معرفی واحد پول جدید کرد که ۱۰۰۰ برابر کوچکتر از واحد قبلی بود به عبارتی عبارتی ۳ صفر از واحد پولی خود کم کرد. در کشور افغانستان نیز در سال ۲۰۰۲ واحد پول افغانی جدید معرفی شد که ۳ صفر از واحد پول ملی کاسته شد. علاوه بر آن در کشور ترکیه با توجه به تورم بالا و ایجاد مشکلات عدیده، اسکناس های درشت چاپ اسکناس به مبلغ ۲۰ میلیون لیری چاپ گردید. سر انجام دولت ترکیه در سال ۲۰۰۵ اقدام به حذف ۶ صفر از واحد پولی خود کرد. در کشور ایران در سال ۱۳۰۸ واحد پولی ریال جایگزین تومان شد ولی هیچگاه نتوانست جایگاه خود را در بین مردم به دست بیاورد و تومان هم اکنون در معاملات و انجام امور مالی مردم رایج است. البته لازم به ذکر است که در این تغییر مذکور نه تنها صفری حذف نشده، بلکه یک صفر نیز به آن اضافه گردیده است و در نتیجه واحد پولی در آن زمان ده برابر بزرگتر شده است.

نکته دیگری که وظیفه خود میدانم ذکر کنم این است که نه واژه ریال نه واژه تومان هیچکدام فارسی نیستند به این صورت که ریال واژه ای اسپانیایی و تومان واژه ای ترکی است آیا بهتر نیست که این نکته را گوشزد کنیم که واژه ای که در طول روز به کرات تکرار میکنیم واژه ای غیر فارسی است و به عقیده اینجانب واژه ای مثل «دریک» که واژه ای کاملاً ایرانی و نام واحد پول در دوره هخامنشی است را جایگزین آن کنیم؟



ماجرای حذف سه صفر از پول ملی به سال ۷۲ باز می‌گردد، هنگامی که به دلیل سیاستهای، تعدیل نرخ تورم آستانه ۵۰ درصد قرار گرفته بود پیشنهاد حذف سه صفر از پول ملی بر روی میز مرحوم دکتر نوربخش رئیس کل وقت بانک مرکزی قرار گرفت. روایت‌های مطرح شده از نظر منفی دکتر نوربخش در این رابطه حکایت دارد چرا که او معتقد بود تا تورم کاهش نیابد نمی‌توان چنین طرحی را به اجرا در آورد. طرح حذف سه صفر در بانک مرکزی به بایگانی سپرده شد. ۱۴ سال بعد هنگامی که طهماسب مظاهری پس از یک دهه مجدداً به بانک مرکزی بازگشت. نقدینگی در طول دو سال به دو برابر افزایش یافته بود طرح مسکوت مانده این بار توسط وی و در کارگروه تحول اقتصادی در قالب طرح تحول نظام بانکی مطرح شد. هر چند که عمر مدیریت او نیز کفاف نداد تا این طرح به سرانجام برسد

## تورم

رشد برنامه ریزی نشده نقدینگی منجر به افزایش سطح عمومی تقاضا میشود لذا در صورتی که ساختار تولید و به عبارتی عرضه کالا و خدمات همسان با تقاضا رشد نکند پدیده ای به نام تورم رخ می‌دهد.

تورم تعاریف گوناگون دارد که کامل ترین آنها عبارتست از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها بدون آنکه کیفیت کالاها و خدمات بهبود یابد با وقوع پدیده تورم مشکلات عدیده ای در جامعه ایجاد میشود که برخی از آنها به شرح ذیل است:

۱. قدرت خرید و به عبارتی ارزش پول ملی کاهش می‌یابد.

۲. توزیع درآمد در جامعه ناعادلانه می‌شود به طوری که افرادی که از سرمایه های غیر نقدی برخوردارند از افزایش نرخ تورم بهره مند می‌شوند و افرادی که دارای سرمایه های نقدی

می‌باشند متضرر می‌شوند.

۳. میل به پس انداز کاهش می‌یابد و عامه مردم ترجیح میدهند که دارایی خود را به صورت دارایی غیر نقدی و یا ارزهای خارجی نگهداری کنند.

۴. تولید و سرمایه گذاری مولد به علت افزایش هزینه ها کاهش و در مقابل فعالیت های کاذب و غیر مولد افزایش می‌یابد.

۵. کالاها و خدمات داخلی به دلیل داشتن بهای تمام شده بالا نسبت به کالاهای خارجی در عرصه تجارت بین المللی از استقبال خوبی برخوردار نبوده و لذا میزان صادرات و کاهش می‌یابد.

۶. بر اثر تورم سطح تولید سرمایه گذاری و صادرات کاهش پیدا می‌کند و در نتیجه بیکاری افزایش و به دنبال آن ثبات سیاسی و اجتماعی جوامع در معرض تهدید قرار می‌گیرد.

در اثر نرخهای تورم بالا طی چند سال متمادی ارزش پول ملی بسیار کاهش می‌یابد و دولت ها برای حل مشکل مبادلات پولی و معاملات مالی ناچار به چاپ اسکناسهایی با مبالغ بالا میشوند. بعد از مدتی که تورم کنترل نشود دیگر چاپ اسکناس های با مبالغ درشت جوابگوی مبادلات مالی و پولی نخواهد بود، از این رو دولت‌ها برای حل این معضل اقدام به تغییر واحد پولی خود می‌کنند.

## وضعیت تورم در ایران

سطح عمومی قیمت‌ها بر اساس شاخص قیمت های مصرفی طی چندین سال گذشته (از سال ۱۳۵۰ با انتشار اولین اسکناس ۱۰۰۰۰ ریالی تا حدود سال ۱۳۸۷)) حدود ۳۸۰ برابر شده است. بدین معنی که اسکناسی که بخواهد قدرت خرید اسکناس ۱۰۰۰۰ ریالی سال ۱۳۵۰ را داشته باشد باید ۳۸۰۰۰۰۰ ریالی باشد در سال ۸۷ حالی که در این مدت اسکناس ۲۰۰۰۰ و ۵۰۰۰۰ ریالی چاپ شده است. این میزان کاهش ارزش ریال، باعث بروز مشکلات زیادی شده که برخی از آنها عبارتند از:

۱. برای انجام مبادلات مالی تعداد واحد ریال بیشتری مورد نیاز است و این امر منجر به افزایش قطعات اسکناس میگردد به طوری که در حال حاضر حدود ۸ میلیارد قطعه اسکناس در جامعه وجود دارد.

۲. ثبت اطلاعات در قالب ریال و هضم این اطلاعات برای مردم مشکل می‌باشد. به عنوان مثال مردم در مطالعه و درک درست از ارقام بودجه کشور با مشکل مواجه هستند.

۳. شمارش و حمل اسکناسهای زیاد در بانک ها و حتی مراکز خرید باعث اتلاف وقت بسیاری شده است.

۴. عامه مردم نسبت به حفظ و نگهداری اسکناس بی تفاوت میباشند قابل توجه است عمر مفید اسکناس در کشورهای اروپایی که واحد پول آنها یورو می‌باشد حداقل ۱۰ سال است در حالی که در کشور ما به ۵ سال و حتی زیر ۳ سال کاهش یافته است. نتیجه این که هر سال هزینه های هنگفتی صرف خارج نمودن اسکناسهای فرسوده و جایگزین کردن آنها با اسکناسهای جدید می‌شود. لازم به ذکر است سرانه اسکناس در دنیا به طور متوسط ۳۱ برگ است در صورتی که در کشور ما ۱۱۴ برگ می‌رسد و هزینه چاپ هر برگ اسکناس حدود ۲۴۱ ریال است.

از طرفی هر سال حدود ۲۰ درصد از اسکناس ها فرسوده میشود که این مسایل منجر به تحمیل هزینه هنگفتی براققتصاد جامعه می‌شود.. از یک طرف رواج چک پولهای بانکی به دلیل سهولت در حمل و نقل و از طرف دیگر عدم رعایت قوانین چک پولها از سوی مردم و بانکها منجر به این شده است که به مرور زمان این چک پولها تبدیل به پول پایه کشور، شوند آن، هم بدون پشتوانه و در حجم وسیع که خود منجر به افزایش نرخ تورم خواهد شد.

بررسی حذف صفرها از پول ملی

تصور اینکه با حذف سه صفر از واحد پول ملی قیمت کالاها به شکلی در می‌آید و می‌توان اجناس چند ده هزار تومانی را با پرداخت چند ده تومان خرید، تصور بسیار شیرینی است حتی اگر به این واقعیت متذکر هم باشیم که در واقع چیزی ارزان نشده و تنها قیمت اسمی و ظاهری آن تغییر کرده است. بدین ترتیب حذف صفرهای سه گانه از پول ملی و تبدیل شدن هزار تومان به یک تومان حداقل میتواند خاطرات قیمت های سالهای دور را برای کهنسالان زنده کند و تصویری ملموس از آنچه آنان بیان می‌کنند به دست جوانترها بدهد آنچه در جملات بالا گفته شد اگر چه در نگاه نخست برخوردی احساسی و فاقد تمام جنبه های واقعی و اقتصادی تحولی مانند حذف سه صفر از پول ملی ما ایرانیان است اما در واقع حامل یکی از مهمترین اهداف مسئولان اقتصادی کشور برای اجرای این تصمیم بشمار می‌آید که عبارتست از کاستن از بار روانی تورم. همه ما به دفعات شنونده و یا گوینده این قبیل جملات بوده و هستیم که چقدر پول بی ارزش شده و برای خرید فلان چیز باید رقم بالایی بپردازیم.....



این دست گزاره ها در فضای اقتصاد به کاهش ارزش پول و یا افت قدرت خرید" تعبیر می شود صاحب نظران اقتصادی وقوع چنین فرآیندی را معلول تورم مستمر و بالا و عدم تطبیق به هنگام و متناسب ارزش پول رایج با این تورم میدانند. در چنین شرایطی کاهش ارزش پول ملی به حدی می رسد که محاسبات و نگهداری حسابها ونیز تسویه آنها به خصوص در قالب خرد با مشکل مواجه میشود و حتی برای خریدهای جزئی نیز ناگزیر از انتقال حجم بالایی از پول هستیم شمارش اسکناس ها وقت زیادی از ما می گیرد و حجم زیادی از صفحات دفاتر حسابهای روزانه حافظه های یارانه ای ..... به اشغال صفرهای متعدد مقابل ارقام دیگر در می آید و از همه مهم تر به علت بی ارزش شدن اجزای کوچکتر پول آمادگی روانی جامعه برای پذیرش افزایش بی علت قیمتتها و یا گرد کردن ارقام به سمت بیشتر افزایش می یابد که همگی به گرانی دامن می زند. در چنین وضعیتی است که مسئولان کشور ما نیز همانند بسیاری از کشورهای دیگر در کنار اجرای سیاستهای اصلاحی در سایر حوزه های زیر ساختی اقتصاد بحث حذف تعدادی صفر از واحد پول ملی را در دستور بررسی قرار دادند و در نهایت بر حذف سه صفر از این تعداد توافق کردند اما به یکباره نظر مسوولان تغییر کرد و به گزارش خبرگزاری اقتصادی ایران "محمود بهمنی" رئیس کل بانک مرکزی که در شهریور ۸۸ از قطعی شدن حذف سه صفر از پول ملی خبر داده بود پس از گذشت شش ماه خود شخصا آن را منتفی اعلام کرد. البته وی دلیل خاصی را برای اتخاذ این تصمیم عنوان نکرد، اما چنان که پیداست علت اصلی آن اجرای طرح هدفمند کردن یارانه هاست که موجب افزایش تورم میشود. پیش از این محمود احمدی نژاد با این استدلال که حذف سه صفر منجر به کاهش تورم میشود آن را پس از ۱۴ سال در دستور کار بانک مرکزی قرار داد درحالی که تمامی کارشناسان و حتی مسوولان بانک مرکزی حذف صفر را بر کاهش تورم بی تاثیر عنوان کردند احمدی نژاد، رئیس جمهوری وقت ایران، در نشست در پاسخ به خبرنگاران که از تورم ناشی از هدفمند کردن یارانه ها پرسیده بودند یکی از راهکارهای مقابله با این تورم را حذف صفرها دانسته و گفته بود: "ما میخواهیم واحد پول را تغییر دهیم و صفرها را برداریم و ارزش ریال را واقعی کنیم چرا که در حال حاضر ارزش ریال واقعی نیست."

در سال های اخیر آخرین تلاش هایی که در این جهت صورت گرفت برمیگردد به اواخر دهه ۹۰. هیئت دولت ایران در جلسه نهم مرداد ۱۳۹۸ به ریاست حسن روحانی رئیس جمهور وقت ایران، لایحه پیشنهادی بانک مرکزی مبنی بر تغییر واحد پول ملی از ریال به تومان و حذف چهار صفر را به تصویب رساند. در پانزدهم اردیبهشت ۱۳۹۹ مجلس شورای اسلامی کلیات لایحه حذف چهار صفر و تبدیل پول ملی ایران از ریال به تومان را تصویب کرد. این لایحه برای اجرایی شدن نیازمند تأیید شورای نگهبان است. اگر شورای نگهبان این لایحه را تصویب کند، پول ملی ایران در «دوره گذار» بتدریج از ریال به تومان تغییر خواهد یافت و قران واحد پول خرد نو خواهد شد. عبدالناصر همتی، رئیس وقت بانک مرکزی ایران دوره اجرای این طرح را ۲ تا ۵ سال اعلام کرده بود. این طرح بی سروصدا و از ماه های پایانی سال ۱۴۰۰ آغاز شده است. اسکناس پنج هزار تومانی جدید تقریباً از ماه های پایانی سال ۱۴۰۰ وارد بازار شد؛ اسکناس های هزار و دو هزار تومانی نیز از تابستان ۱۴۰۱ وارد بازار شدند. در اسکناس های جدید، صفرها در قسمت بالا کمرنگ چاپ شده و در قسمت پایین کلاً حذف شده است. این اسکناس ها در زمان عبدالناصر همتی چاپ شدند. این طرح هنوز به نتیجه نرسیده و در وضعیت بلاتکلیفی است. ما به بررسی مزایا، معایب و دیدگاه های موافقان و مخالفان آن خواهیم پرداخت، در حالی که مسئولان اقتصادی هنوز به جمع بندی مشخصی نرسیده اند.

مزایا و معایب حذف صفرهای پول به گفته کارشناسان حذف صفرهای پول یک کشور به خودی خود اقدام بدی نیست اما آنچه موجب نگرانی است اجرای طرح در زمان نامناسب به دلایل نادرست به روشی غیر منطقی و بدون فراهم کردن پیش شرطهای ضروری است. قبل از اجرای طرح حذف صفرهای پول یک کشور بررسی شرایط اقتصادی آن و ارزیابی دقیق تبعات و پیامدهای اجرای طرح بر مردم و بخشهای مختلف اقتصادی ضرورتی تام دارد تنها در این صورت است که زمینه های اجرای کامل و درست طرح فراهم می شود. برای مثال کره جنوبی از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ در خصوص آثار و تبعات اقتصادی حذف صفرها از پول ملی خود تحقیق و بررسی کرد کره جنوبی جولای ۲۰۰۷ را برای جایگزینی پول ملی جدید به جای پول قدیمی انتخاب کرد و این در حالی بود که این اقدام با پشتوانه سه سال تحقیقات دقیق اقتصادی همراه بود. یکی دیگر از پیش شرط ها استقلال کامل بانک مرکزی از دولت است. اگر بانک مرکزی یک کشور نتواند مستقل از دولت فعالیت و عمل کند، اجرای طرح حذف صفرهای پول ملی غیر ممکن خواهد بود و در صورت اجرا تبعات منفی بسیاری در پی خواهد داشت آماده سازی افکار عمومی به وسیله دولت و از طریق رسانه های مستقل از دیگر پیش شرطهای مهم اجرای طرح حذف صفرهای پول است. در این زمینه دولت باید به طور دقیق و شفاف دلایل اصلی حذف صفرها از زمان و روش کار، پیامدهای احتمالی و هزینه های کامل اجرای طرح را به اطلاع مردم برساند. در این صورت است که مردم برای پذیرش و همراهی با طرح آماده خواهند شد به طوریکه دولت کره پیش از آنکه اقدام به طرح موضوع در پارلمان این کشور نماید، افکار عمومی مردم را طی دسامبر ۲۰۰۶ نسبت به این موضوعات و تبعات آن، آگاه ساخت.

مزیت های برای این طرح مطرح میشود از جمله کاهش حجم اسکناس، سادگی در مبادلات

، نگهداری ساده تر حسابها ارقام و ترازنامه ها، اشغال فضای کمتر آمار و اطلاعات مالی در حافظه و هارد یارانه ها نقل و انتقال سهل تر پول، کاهش آثار روانی تورم و نیز صرفه جویی در وقت برای شمارش حجم زیاد اسکناسها است.

دلایل موافقان طرح تغییر واحد پولی در حال حاضر با توجه به وجود تورم دو رقمی در کشور و وضعیت اسکناس نیاز به چاپ حجم بالایی از اسکناس جهت پاسخگویی به مبادلات و معاملات مالی مردم وجود دارد از نظر موافقان با حذف صفرهای واحد پولی دیگر لزومی چاپ اسکناسهای بیشتر نمی باشد که این امر موجب کاهش هزینه های چاپ اسکناس می شود. . این اقدام از نظر روحی و روانی زمینه ساز اعتماد

بیشتر مردم به پول ملی و مهار تورم خواهد شد. . با توجه به تغییر ذهنیت جامعه به ارزش پول ملی میل مردم به پس انداز در قالب دارایی های سرمایه ای مثل زمین و ... کاسته می شود. . هزینه های معاملاتی و مبادلاتی کاهش می یابد به طور مثال یکی از معضلاتی که در جامعه با آن روبه رو هستیم فرصتهایی است که در صفوف بانک ها و برخی از مراکز خرید به دلیل تأخیر در انجام امور مشتریان (در اثر صرف زمان زیاد جهت شمارش اسکناس های با حجم بالا و فرسوده) از دست می رود. به اعتقاد این افراد اگر حذف صفرها از پول ملی به طور صحیح و در چارچوب یک سلسله اصلاحات پذیرد تورم مهار خواهد شد و اعتبار پول ملی افزایش خواهد داشت.





دلایل و نظرات مخالفان طرح تغییر واحد پول بی تاثیر بودن در متغیرهای واقعی اقتصادی نظر بر اینکه موضوع اسکناس و رقم پولی، موضوعی تفاهمی و قراردادی است لذا واحد پول هر چه باشد فقط واحد تبدیل کننده کالا به واحد پول است و هیچ اثری بر روی متغیرهای مهم اقتصادی نظیر سرمایه گذاری، اشتغال و تورم نخواهد داشت.

باعث افزایش هزینه‌های سنگین جایگزینی و تغییر واحد پولی در کشور میشود و از طرفی در دفاتر و پایگاه های مالی کشور در رابطه با اطلاعات قدیم و جدید بی نظمی رخ میدهد به طوری که کشور کره جنوبی در سال ۲۰۰۷ به خاطر تغییر واحد پولی خود بیش از ۴۷۰ میلیون دلار هزینه کرد.

کاهش صفرهای پول ملی به خودی خود منجر به کاهش تورم نخواهد شد و حتی در صورتی که تورم کنترل نشود بعد از مدتی این کاهش صفرها با نرخ تورم بالا جبران و وضعیت به گذشته بر می گردد. حذف صفرهای پول ملی تنها موجب تسهیل در مبادلات اقتصادی، حساسی و فرآیند پرداخت می شود و هیچ تاثیری نه در کاهش و نه در افزایش نرخ تورم نخواهد داشت.

این اقدام با وجود صرفه جویی در هزینه های چاپ اسکناس تبعاتی منفی بر اقتصاد کشور دارد که آثار روانی تورمی آن مهم ترین آنهاست. البته در خصوص کاهش هزینه‌های چاپ اسکناس کارشناسان مخالف طرح عنوان میکنند که با وجود پول الکترونیکی نیازی به چاپ اسکناس درشت تر و جابجایی پول نمی باشد لذا باید هدف گسترش این نوع مبادلات در سطح کلی جامعه باشد.

در پایان امیدوارم اگر بار دیگر تصمیم بر آن شد که طرح حذف صفر از پول ملی اجرا شود مسوولان جوانب اجرای طرح را در نظر گرفته و پس از تحقیقات و بررسی کامل موضوع را عمومی کنند تا قبل از اینکه این اقدام یک مصلحت اندیشی سیاسی باشد یک اقدام اقتصادی باشد

منابع:

مقاله روح اله احمدی (از کارکنان بانک ملی)

[www.fardanews.com](http://www.fardanews.com)

[www.sarmayeh.net](http://www.sarmayeh.net)

[www.donya-e-eqtasad.com](http://www.donya-e-eqtasad.com)

[www.khabaronline.ir](http://www.khabaronline.ir)

نشریه علمی  
دانشجویی  
نوسان





# آزمایشگاه

نویسنده:  
محدثه ذاقلی

۹ بیت کوین اولین و معروف ترین ارز دیجیتال است که در سال ۲۰۰۹ به وجود آمد و به عنوان یک دارایی دیجیتال غیرمتمرکز شناخته می شود

۱۰ هنگ کنگ و سنگاپور کشورهای بدون مالیات بر ارزش افزوده (VTA) هستند

۱۰ جنگ و تورم همواره با هم رخ میدهند و هرچنگی که در قرن اخیر شروع شد با افزایش افسار گسیخته قیمت ها توأمان بوده است

۱۱ کشور آمریکا در کمتر از ۱۰۰ سال از یک اقتصاد کشاورزی به یک اقتصاد صنعتی تبدیل شد

۱۲ کشور آمریکا در کمتر از ۱۰۰ سال از یک اقتصاد کشاورزی به یک اقتصاد صنعتی تبدیل شد

۱۳ در قرن ۲۰ میلادی بیش از ۲۸ تورم بزرگ در جهان رخ داد که ۲۰ مورد آن ها پس از سال ۱۹۸۰ به وقوع پیوست

۱۴ بسیاری از تاریخ شناسان، تورم فزاینده را مقصر اصلی سقوط امپراطوری روم می دانند

۱۵ کشور سوئد قصد دارد تا سال ۲۰۳۰ به اولین کشور کاملاً بدون پول فیزیکی تبدیل شود

۱۶ اسکانس های یورو در تمام ۲۰ کشور منطقه یورو یکسان است اما هر کشور علامت خاصی روی آن حک می کند تا نشان دهد اسکانس در کدام کشور صادر شده است



۱ اگر کالیفرنیا یک کشور بود رتبه پنجم رادر زمینه تولید ناخالص داخلی به خود اختصاص میداد

۲ اولین کشوری که در قرن ۲۱ دچار تورم افسار گسیخته شد زیمبابوه بود

۳ تورم افسار گسیخته ای که در سال ۱۹۲۰ آلمان به آن دچار شد باعث شد که ارزش و قدرت خرید مارک آلمان چنان پایین بیاید که ارزش آن بسیار کمتر از همزم شود.

۴ به پیش بینی بانک جهانی ایران پس از ونزوئلا و لیبی حدود ۱۵۵ سال دیگر ذخایر نفتی خود را به پایان می رساند

۵ آسیا در سال ۲۰۳۰ نسبت به سایر قاره ها بیشترین درصد تولیدات داخلی را در دست خواهد گرفت

۶ تغییرات میانگین میزان تورم در اقتصاد ایران در دهه ۹۰ حدود ۷۵۳ درصد بوده در حالی که در همین مدت رشد بدون نفت تولید ناخالص داخلی ایران تنها ۱۵ درصد بوده است.

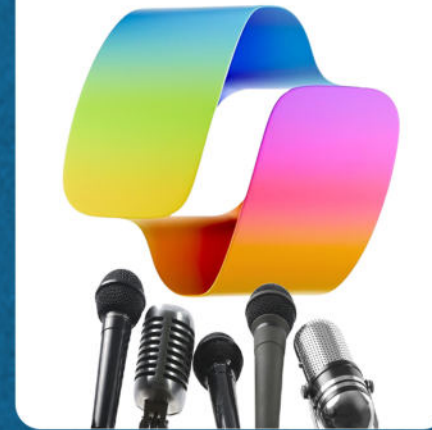
۷ بورس نیویورک بزرگ ترین بازار سهام جهان است

۸ ارز چینی یوان در سال های اخیر به یکی از ۵ ارز برتر جهانی تبدیل شده است

۹ ژاپن به دلیل نرخ بهره منفی در برخی از بانک ها معروف است مردم به جای دریافت سود از سپرده های بانکی ممکن است هزینه ای بابت نگهداری پول توسط بانک پرداخت کنند



# مصاحبه با کوپایلت!



برای این شماره نشریه خیلی دوست داشتیم مصاحبه ای با یکی از اساتید دانشگاه ترتیب بدیم. همه موارد حتی سوال ها و باقی موارد تنظیم شده بود که متاسفانه در لحظات آخر استاد دیگه جوابی به ما نداد. ما هم که از اونجا مونده و از اینجارونده شده بودیم، مونده بودیم که چه کار کنیم؟ اتفاقی این موضوع رو

با یکی از دوستان، که اتفاقاً زحمت طراحی و صفحه آرایی این شماره نشریه رو به عهده گرفته، درمیان گذاشتم. ایده جالبی به من داد. مصاحبه با هوش مصنوعی! اول خیلی استقبال نکردم ولی بیشتر بهش فکر کردم دیدم همچین ایده بدی هم نیست. پس رفتم سراغ دوست عزیزم کوپایلت! وقتی داستانو برای کوپایلت تعریف کردم استقبال خوبی کرد و بالاخره مصاحبه رو انجام دادیم. هر چند اونطوری که دوست داشتیم گرم و خودمانی جوابی به ما بده نشد. اما به نظرم هر از گاهی نشستن پای سفره دل هوش مصنوعی و درد و دل کردن با اون خالی از لطف نیست. به شخصه میتونم بگم کار جالبی بود و برای یک بار تجربه کردن کافی. به هر روی جا داره تشکر کنیم از کوپایلت که از این مشکل مارو به هرشکلی که بود نجات داد. انشالله در شماره بعدی نشریه به مصاحبه خوب با یه شخصی غیر از کامپیوتر و هوش مصنوعی ترتیب میدیم.

◆ **سلام کوپایلت من میخوام با یکی از اساتید در مورد اقتصاد توسعه مصاحبه کنم ولی متاسفانه مشکلی پیش اومد و نشد. پس برای همین میخوام با تو مصاحبه کنم و از تو همون سوالات رو بپرسم.**

با کمال میل! من آماده‌ام تا به سوالات شما در مورد اقتصاد توسعه پاسخ دهم. بفرمایید، اولین سوالتان چیست؟

◆ **بسیار عالی! خب پس بریم سراغ مصاحبه. اقتصاد توسعه چیست، بنیانش چیست و چطور حاصل میشود؟**

اقتصاد توسعه شاخه‌ای از علم اقتصاد است که به بررسی فرایندها، ساختارها و سیاست‌هایی می‌پردازد که منجر به

به بهبود و ارتقای رفاه و استانداردهای زندگی در کشورهای در حال توسعه می‌شود. این شاخه از اقتصاد تلاش دارد تا دلایل فقر و نابرابری را تحلیل کرده و راهکارهایی برای کاهش این مسائل و افزایش رشد اقتصادی ارائه دهد.

بنیان‌های اقتصاد توسعه: رشد اقتصادی: تمرکز اصلی بر افزایش تولید ناخالص داخلی (GDP) و بهره‌وری است. این بخش شامل تحلیل عواملی مثل سرمایه‌گذاری، نوآوری، و بهبود کارایی می‌شود.

نهادهای و قوانین: نهادهای قوی و موثر، سیاست‌های مناسب، و قوانین عادلانه از جمله ارکان اصلی توسعه اقتصادی هستند. این نهادها شامل دولت، سیستم قضایی، بازارهای مالی و سیستم‌های آموزشی و بهداشتی می‌شوند.

سرمایه انسانی: ارتقای سطح آموزش و بهداشت مردم، نقش مهمی در توسعه اقتصادی دارد. سرمایه‌گذاری در آموزش و بهداشت منجر به افزایش بهره‌وری و بهبود کیفیت زندگی می‌شود.

توزیع درآمد: یکی از اهداف اقتصاد توسعه، کاهش نابرابری‌های درآمدی و افزایش عدالت اجتماعی است. سیاست‌هایی مانند سیستم‌های مالیاتی عادلانه، برنامه‌های حمایت اجتماعی و افزایش فرصت‌های شغلی می‌توانند به این هدف کمک کنند.

چگونگی حاصل شدن اقتصاد توسعه:

سیاست‌های دولتی: دولت‌ها نقش کلیدی در هدایت فرایند توسعه اقتصادی دارند. از طریق سیاست‌های مالی و پولی مناسب، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، و ایجاد محیطی مناسب برای کسب و کارها، می‌توانند رشد اقتصادی را تسریع کنند.

سرمایه‌گذاری خارجی: جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند منابع مالی و فناوری‌های جدیدی را وارد کشور کند و به توسعه اقتصادی کمک کند.

نوآوری و تکنولوژی: پذیرش و استفاده از تکنولوژی‌های جدید و ارتقای نوآوری می‌تواند به افزایش بهره‌وری و ایجاد

فرصت‌های جدید اقتصادی کمک کند و بسیار کارساز واقع شود.

همکاری‌های بین‌المللی: کشورهای در حال توسعه می‌توانند از طریق همکاری با سازمان‌ها و کشورهای دیگر، منابع مالی و تخصصی لازم برای پروژه‌های توسعه‌ای خود را فراهم کنند.

اصلاحات نهادی: ایجاد و تقویت نهادهای اقتصادی، حقوقی و سیاسی که

که عملکرد اقتصادی را بهبود ببخشند، برای توسعه اقتصادی ضروری است. به طور کلی، اقتصاد توسعه یک فرایند پیچیده و چند بعدی است که نیاز به هماهنگی میان عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارد.

◆ **خب اینجا بهتر هست در مورد ایران صحبت کنیم. توسعه و مسائل اقتصادی مربوط به آن در ایران مشکل بزرگی هست. به نظر شما چالش‌های اصلی توسعه اقتصادی ایران چیست و چگونه می‌توان آن‌ها را برطرف کرد؟**

چالش‌های اصلی توسعه اقتصادی ایران شامل موارد زیر هستند:

تحریم‌های بین‌المللی؛ بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی؛ تورم و نوسانات ارزی؛ نهادها و قوانین ناکارآمد؛ عدم دسترسی به تکنولوژی

راه حل‌ها:

اصلاحات نهادی: بهبود قوانین و نهادها. افزایش سرمایه‌گذاری در فناوری: ارتقای تکنولوژی و نوآوری.

پایداری اقتصادی و سیاسی: ایجاد محیطی امن برای سرمایه‌گذاری.

تنوع‌بخشی به اقتصاد: کاهش وابستگی به نفت.

◆ **نقش نفت و گاز در اقتصاد ایران چگونه است و چه تأثیری بر توسعه پایدار دارد؟**

نفت و گاز بخش بسیار مهم اقتصاد ایران هستند که بر درآمد کل کشور تأثیر مستقیمی دارند و بخش بزرگی از درآمدهای کشور را تشکیل می‌دهند. همچنین، صادرات نفت و گاز به کشورهای دیگر کمک می‌کند تا درآمد بیشتری از مبادلات بین‌المللی به دست آورند.

نتیجه چالش‌های اقتصادی که کشورمان ایران با آن درگیر است: ایجاد مانع تجارت و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف کشورمان و ایجاد تردید در سرمایه‌گذاری و هم‌چنین کاهش قدرت خرید و افزایش هزینه‌ها که مانع بهره‌وری و کارآفرینی شده و نتیجتاً شاهد کاهش رقابت پذیری خواهیم بود.



از سوی دیگر، تأثیر نفت و گاز بر توسعه پایدار ایران می‌تواند مثبت و منفی باشد. از جهات مثبت، درآمد از صادرات نفت و گاز می‌تواند برای سرمایه‌گذاری در زمینه‌های دیگر مانند آموزش، بهداشت و تحقیقات استفاده شود. این سرمایه‌گذاری‌ها می‌توانند به توسعه پایدار کشور کمک کنند.

از سوی دیگر، اعتماد بیش از حد به نفت و گاز می‌تواند به ناکافی‌توانی اقتصادی کشور منجر شود. این موضوع می‌تواند باعث کاهش سرمایه‌گذاری در زمینه‌های دیگر و افزایش بی‌کدام‌شناسی اقتصادی شود. بنابراین، برای توسعه پایدار، باید از منابع متنوعی مانند انرژی‌های تجدیدپذیر و صنایع دیگر استفاده کرد.

#### ◆ در توسعه اقتصادی بحث مهمی به نام تنوع وجود دارد. چگونه می‌توان به تنوع اقتصادی در ایران دست یافت؟

تنوع اقتصادی می‌تواند کشور را از وابستگی بیش از حد به یک منبع درآمد خاص، مانند نفت و گاز، آزاد کند و پایه‌های اقتصادی قوی‌تری بنا نهد. در اینجا چند راهکار برای دستیابی به تنوع اقتصادی در ایران آمده است:

توسعه صنایع غیرنفتی

صنایع تولیدی سرمایه‌گذاری در صنایع تولیدی مانند خودروسازی، نساجی، و الکترونیک.

کشاورزی و صنایع غذایی

بهبود روش‌های کشاورزی و توسعه صنایع فرآوری مواد غذایی تقویت بخش خدمات

گردشگری

ایران دارای جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی و طبیعی فراوانی است که می‌توان با توسعه زیرساخت‌های گردشگری و ارتقاء خدمات مربوطه، گردشگری را به یک منبع درآمدی پایدار تبدیل کرد.

#### فناوری اطلاعات

سرمایه‌گذاری در بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و ایجاد محیطی مناسب برای استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های فناوری.

توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر

انرژی خورشیدی و بادی

ایران دارای پتانسیل بالایی در زمینه تولید انرژی خورشیدی و بادی است. سرمایه‌گذاری در این زمینه می‌تواند به کاهش وابستگی به نفت و گاز کمک کند.

تقویت بخش خصوصی

بهبود فضای کسب و کار

کاهش بوروکراسی، بهبود قوانین و مقررات کسب و کار، و حمایت از کارآفرینان می‌تواند به تقویت بخش خصوصی کمک کند.

تسهیل دسترسی به منابع مالی

ایجاد تسهیلات مالی برای کسب و کارهای کوچک و متوسط و دسترسی آسان‌تر به منابع مالی.

سرمایه‌گذاری در آموزش و تحقیقات

ارتقاء کیفیت آموزش

سرمایه‌گذاری در نظام آموزشی و ایجاد برنامه‌های آموزشی کاربردی برای تربیت نیروی کار ماهر.

تحقیقات و نوآوری

حمایت از پژوهش‌های علمی و نوآوری‌ها می‌تواند به توسعه فناوری‌های جدید و ایجاد فرصت‌های اقتصادی جدید کمک کند.

افزایش تجارت بین‌المللی

توسعه روابط تجاری

گسترش روابط تجاری با کشورهای دیگر و ایجاد توافق‌نامه‌های تجاری جدید.

صادرات غیرنفتی

تشویق صادرات کالاها و خدمات غیرنفتی به بازارهای جهانی

#### ◆ در توسعه اقتصاد هم‌منطور که می‌دونید علاوه بر بخش دولتی بخش خصوصی هم نقش مهمی ایفا میکند نقش بخش خصوصی در توسعه اقتصادی ایران را می‌تواند برای ما باز کنید؟

ایجاد اشتغال

شرکت‌های خصوصی می‌توانند شغل‌های جدیدی ایجاد کنند و بیکاری را کاهش دهند.

افزایش بهره‌وری

رقابت در بخش خصوصی منجر به نوآوری و افزایش بهره‌وری می‌شود.

جذب سرمایه

بخش خصوصی می‌تواند سرمایه‌های داخلی و خارجی را جذب کند راه‌های تقویت بخش خصوصی

بهبود محیط کسب و کار

کاهش بوروکراسی و قوانین پیچیده.

دسترسی به منابع مالی

ایجاد تسهیلات مالی برای کسب و کارهای کوچک و متوسط.

حمایت از نوآوری و فناوری

تشویق به استفاده از فناوری‌های جدید و نوآوری‌ها

آموزش و توسعه نیروی کار

سرمایه‌گذاری در آموزش و ارتقاء مهارت‌های نیروی کار

#### ■ طبق صحبتی که تا اینجا داشتیم روابط بین الملل و مراودات با سایر کشورها بحثی مهم در توسعه یک کشور هست. ولی در ایران به واسطه تحریم‌های صورت گرفته در این بخش با مشکلاتی مواجه هست. می‌تواند تأثیراتی که تا به حال بر توسعه اقتصادی ایران داشته را باز تر کنید؟

بله، حتماً. تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی بر اقتصاد ایران تأثیرات بسیاری داشته‌اند. از جمله این تأثیرات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد

کاهش واردات و صادرات

تحریم‌ها باعث کاهش واردات و صادرات

کالاها و خدمات شده‌اند، که موجب افت‌هایی در تجارت بین‌المللی ایران شده است محدودیت‌های بانکی

تحریم‌ها باعث شده‌اند که بانک‌های بین‌المللی از انجام تعاملات مالی با ایران خودداری کنند، که موجب شدند تا ایران برای انجام این تعاملات باید به روش‌های غیرمعمولی مانند ارتباطات پشتیبانی از طریق بانک‌های دیگر و ارائه خدمات مالی غیرمستقیم استفاده کند.

کاهش سرمایه‌گذاری

تحریم‌ها باعث کاهش سرمایه‌گذاری خارجی در ایران شده‌اند، که موجب شده است تا ایران از فرصت‌های مالی و فناورانه‌ای که ممکن بود از آن‌ها بهره‌برداری کند، محروم شود.

تأثیر بر نفت

تحریم‌ها بر صنعت نفت ایران تأثیرات بسیاری داشته‌اند، از جمله کاهش فروش نفت و کاهش درآمد از این منابع تأثیر بر سلامت و توسعه انسانی

تحریم‌ها باعث شده‌اند که دسترسی به داروها و تجهیزات پزشکی برای ایرانیان محدود شود، که موجب شده است تا سلامت عمومی و توسعه انسانی در کشور

تحت تأثیر قرار گیرد

این تأثیرات نشان می‌دهند که تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی بر توسعه اقتصادی ایران تأثیرات منفی و گسترده‌ای داشته‌اند. امیدوارم این توضیحات کمک کند تا بهتر بدانید که چگونه این تحریم‌ها بر اقتصاد ایران اثر گذاشته‌اند

#### ■ یکم هم در مورد توسعه در جهان صحبت کنیم؛ چگونه جهانی‌سازی بر توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه تأثیر گذاشته است؟

جهانی‌سازی تأثیرات متنوعی بر توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه داشته است. در اینجا به چند جنبه مهم اشاره می‌کنم

افزایش تجارت بین‌المللی

جهانی‌سازی باعث شده است تا کشورهای در حال توسعه بتوانند به راحتی به بازارهای بین‌المللی دسترسی پیدا کنند و صادرات خود را گسترش دهند.

توسعه صنایع خدماتی

جهانی‌سازی باعث شده است تا صنایع خدماتی در کشورهای در حال توسعه رشد بیشتری داشته باشند.



### توسعه تجارت الکترونیکی

تجارت الکترونیکی رشد بیشتری خواهد داشت و فروشگاه‌های آنلاین نقش بیشتری در اقتصاد جهانی ایفا خواهند کرد. این موضوع به رشد کسب و کارهای کوچک و متوسط نیز کمک می‌کند.

### گسترش خدمات مالی دیجیتال

فناوری‌های مالی (فین‌تک) و ارزهای دیجیتال، سیستم‌های مالی سنتی را تغییر خواهند داد و امکان انجام تراکنش‌های سریع‌تر و امن‌تر را فراهم می‌کنند.

### تحلیل داده و تصمیم‌گیری هوشمند

استفاده از تحلیل داده‌های بزرگ و هوش مصنوعی، امکان تصمیم‌گیری دقیق‌تر و بهینه‌تر در بخش‌های مختلف اقتصادی را فراهم می‌کند.

### افزایش شفافیت و کاهش فساد

فناوری‌های بلاک‌چین و هوش مصنوعی می‌توانند به افزایش شفافیت و کاهش فساد در سیستم‌های مالی و اداری کمک کنند

### چالش‌های امنیت سایبری

با افزایش استفاده از تکنولوژی‌های دیجیتال، مسائل امنیت سایبری و حفاظت از اطلاعات نیز اهمیت بیشتری پیدا خواهند کرد و نیاز به سرمایه‌گذاری و توجه بیشتر به این حوزه خواهد بود.

به طور کلی، آینده اقتصاد جهانی با دیجیتالی شدن و هوش مصنوعی پر از فرصت‌ها و چالش‌های جدید خواهد بود. کشورها و شرکت‌هایی که بتوانند به سرعت با این تغییرات سازگار شوند و از فناوری‌های نوین بهره‌برداری کنند، در این آینده موفق‌تر خواهند بود. آیا سوال دیگری دارید؟

### ◆ خیر، ممنونم از وقتی که گذاشتید.

خواهش می‌کنم، خوشحالم که توانستم کمکتان کنم. اگر سوال دیگری داشتید یا موضوع دیگری بود که دوست داشتید درباره اش صحبت کنیم، همیشه در خدمتم. موفق باشید.

کاری از تیم تحریریه نشریه نوسان

### ◆ و در آخر هم با توجه به پیشرفت روز افزون تکنولوژی، به نظر شما آینده اقتصاد جهانی با توجه به روندهای فعلی مانند دیجیتالی شدن و هوش مصنوعی چگونه خواهد بود؟

آینده اقتصاد جهانی با توجه به دیجیتالی شدن و هوش مصنوعی می‌تواند به شکل زیر پیشرفت کند:

### افزایش بهره‌وری

تکنولوژی و هوش مصنوعی می‌توانند کارهای تکراری و زمان‌بر را به طور خودکار انجام دهند، که این موضوع بهره‌وری را افزایش می‌دهد و امکان تمرکز بر نوآوری و خلق ارزش‌های جدید را فراهم می‌کند.

### تحول در بازار کار

برخی از مشاغل ممکن است توسط هوش مصنوعی و روبات‌ها جایگزین شوند، اما در عین حال شغل‌های جدیدی نیز در زمینه های فناوری و داده‌کاوی ایجاد خواهند شد. مهارت‌های دیجیتالی و تخصص‌های جدید اهمیت بیشتری پیدا خواهند کرد.

### دسترسی به بازارهای جهانی

مزیت: امکان صادرات کالاها و خدمات به بازارهای بزرگ‌تر و جذب سرمایه‌های خارجی. چالش: رقابت با شرکت‌های بین‌المللی و احتمال آسیب به صنایع داخلی.

### سرمایه‌گذاری خارجی

مزیت: جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی می‌تواند باعث انتقال فناوری و ایجاد فرصت‌های شغلی شود.

چالش: وابستگی بیش از حد به سرمایه‌گذاری‌های خارجی می‌تواند آسیب‌پذیری اقتصادی را افزایش دهد.

### انتقال فناوری و دانش

مزیت: بهره‌مندی از فناوری‌های نوین و بهبود بهره‌وری از طریق همکاری‌های بین‌المللی.

چالش: احتمال نابرابری در دسترسی به فناوری بین کشورهای مختلف.

### بهبود زیرساخت‌ها

مزیت: جهانی‌سازی می‌تواند به بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل و ارتباطات کمک کند.

چالش: فشار برای سرمایه‌گذاری‌های بزرگ ممکن است منابع داخلی را تحت فشار قرار دهد.

### تأثیرات اجتماعی و فرهنگی

مزیت: تبادل فرهنگی و افزایش تنوع فرهنگی.

چالش: احتمال از دست رفتن فرهنگ‌های محلی و افزایش نابرابری اجتماعی.

### بهبود استانداردهای زندگی

مزیت: افزایش دسترسی به کالاها و خدمات با کیفیت بالاتر.

چالش: احتمال افزایش نابرابری‌ها و تمرکز ثروت در دست عده‌ای محدود.

به طور کلی، جهانی‌سازی فرصت‌ها و چالش‌های متعددی را برای کشورهای در حال توسعه ایجاد کرده است. بهره‌برداری هوشمندانه از این فرصت‌ها و مدیریت موثر چالش‌ها می‌تواند به توسعه اقتصادی پایدار کمک کند

### ممنون از سوالات و آخرین سوال





# ترامپ خود شیفته یا هریس دورو

نویسنده

ابوالفضل جورابچی

دانشجو کارشناسی اقتصاد دانشگاه صنعتی شاهرود

"دموکرات یا جمهوری خواه؟" سوالی که سالهاست با شروع فصل انتخاباتی در امریکا، فضای سیاسی حاکم بر کشور را درگیر خود میکند. این سوال محور اصلی موضوع بحث جمعی از دانشجویان فعال اقتصاد دانشگاه صنعتی شاهرود در نشست کافه اقتصاد بود. هدف از برگزاری نشست ارتقاء سطح علمی دانشجویان و آگاهی آن ها نسبت به تاثیر تحولات بین المللی بر اقتصاد داخلی کشور است. سعی شد در این نشست با معرفی رییس جمهوران ایران و آمریکا، بررسی شاخص های اقتصادی (نرخ رشد، تورم و درآمد های نفتی)، تحلیل بازار های مالی و مصاحبه رییس کل بانک مرکزی ایران

ایران (دکتر فرزین) پس از پیروزی ترامپ به سوال مطرح شده پاسخ داده شود. با توجه به شواهد موجود در دوران پس از انقلاب به وضوح قابل رویت است که حاکمیت جمهوری خواه ها از دموکرات ها بیشتر بوده است (۷ دوره جمهوری خواهان و ۶ دوره دموکرات ها). در طی این دوران، دموکرات ها برخلاف ظاهری که از خود نشان میدادند تحریم های بیشتری علیه ایران اعمال کردند و جمهوری خواه ها تنش های نظامی بیشتری را ایجاد کردند. همچنین با بررسی نرخ رشد اقتصادی، درصد تورم و ارزش دلاری صادرات نفت متوجه میشویم که این شاخص ها در دوران ترامپ از عملکرد ضعیف تری نسبت

نسبت به دوران بایدن برخوردار بوده است. با توجه به صحبت های انجام شده در این نشست این امر نمیتواند نشان دهنده این باشد که بایدن دموکرات منفعت بیشتری داشته است یا ترامپ جمهوری خواه چرا که؛ این مهم در دوران بایدن تحت تاثیر رویدادهای بین المللی مختلفی از جمله " جنگ روسیه و اوکراین " حادث شده است.

در ادامه این گونه مطرح شد که در دوران ترامپ پیش بینی میشود با کاهش مالیات ها به خصوص از شرکت های بزرگ رشد اقتصادی آمریکا و ارزش دلار منجر به تقویت قدرت اقتصادی آمریکا در جهت اعمال زور و وضع تعرفه به کشورهای دیگر شود.

دکتر فرزین رییس کل بانک مرکزی ایران با اشاره به انتخابات آمریکا و روی کار آمدن ترامپ خاطر نشان کرد با توجه به عدم مبادله تجاری بین ایران و آمریکا پس از انتخابات تاثیر مستقیمی روی اقتصاد ایران مشاهده نمیشود، اما میتواند با اثرگذاری بر قیمت جهانی نفت، تجارت جهانی، افزایش ارزش دلار و تغییر ارزش ارزهای کشورهای دیگر، تاثیر غیر مستقیمی بر اقتصاد ایران بر جای بگذارد.

پس از بررسی شاخص های مذکور با توجه به نظرات دوستان حاضر در جلسه میتوان نتیجه گرفت که تفاوت چندانی بین این دو حزب برای ایران وجود ندارد. مسئله ای که حائز اهمیت است بحث سیاست گذاری های داخل کشور میباشد که گاه رفع کننده چالش های موجود هستند و گاه تشدید کننده شرایط. در انتها چیزی که پیشنهاد میشود این است که سیاست مداران ایران نباید فریب سیاست های کج دار و مریز روسای جمهور دموکرات آمریکایی را بخورند و همچنین روی کار آمدن ترامپ و تشدید جنگ تجاری بین چین و آمریکا فرصت مناسبی برای ایران است تا با حضور در پیمان های همکاری چند جانبه حجم تجارت خارجه خود را افزایش دهد.

در پایان لازم میدانیم از حضور گرم دکتر عاطفه مزینانی عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شاهرود و همراهی و همدلی ایشان در برگزاری این نشست تشکر صمیمانه ای به عمل آوریم.

با سپاس فراوان از خانم ها و آقایان " محسن فرخنده عمل اقدام ، ابوالفضل جورابچی ، محدثه ذاقلی ، مهدی مصطفی پور ، سوگند ساداتی ، سرابی نژاد و زهرا هاشمی " که با همکاری خود در جمع آوری مطالب به این نشست بار علمی بخشیدند.





اما با افزایش مصرف، واردات از دهه ۱۳۶۰ آغاز شد و در سال ۱۳۸۵ به اوج خود رسید و روزانه ۲۷/۵ میلیون لیتر بنزین وارد می‌شد. از سال ۱۳۹۴ با بهره‌برداری از پالایشگاه ستاره خلیج فارس، واردات بنزین متوقف و صادرات آغاز شد. با این حال، در سال ۱۴۰۲ واردات دوباره افزایش یافت و به ۳۰ میلیون لیتر در روز رسید، که هزینه‌ای حدود ۳ میلیارد دلار برای دولت داشته است. این وضعیت ناشی از افزایش مصرف و عدم توسعه زیرساخت‌های جایگزین مانند CNG و اصلاح ناوگان حمل‌ونقل است.

افزایش قیمت بنزین برای دولت ایران هم فرصت‌ها و هم چالش‌هایی به همراه دارد. این اقدام منافعی از جنبه‌های مختلف دارد که در ادامه به تفکیک بررسی می‌شود:

منافع اقتصادی

افزایش درآمدهای دولت

یکی از بزرگ‌ترین منافع افزایش قیمت بنزین، افزایش درآمدهای دولت از طریق فروش داخلی و کاهش یارانه‌های انرژی است. این درآمدها می‌توانند در بخش‌های مختلف مانند زیرساخت‌ها، بهداشت، آموزش و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری شوند.

کاهش بار مالی یارانه‌ها

یارانه‌های انرژی به‌ویژه در بخش بنزین، فشار مالی زیادی بر دولت وارد می‌کند. با افزایش قیمت، این بار مالی کاهش یافته و منابع آزادشده می‌توانند برای پروژه‌های اولویت‌دار تخصیص یابند.

کاهش مصرف و کنترل قاچاق سوخت  
قیمت پایین بنزین در مقایسه با کشورهای همسایه، انگیزه‌ای قوی برای قاچاق سوخت ایجاد می‌کند. افزایش قیمت، می‌تواند این انگیزه را کاهش داده و مصرف داخلی را بهینه کند. این وضعیت ناشی از افزایش مصرف و عدم توسعه زیرساخت‌های جایگزین مانند CNG و اصلاح ناوگان حمل‌ونقل است. افزایش قیمت بنزین برای دولت ایران هم فرصت‌ها و هم چالش‌هایی به همراه دارد.

یکی از مسائل چالش‌برانگیز سیاست‌های اقتصادی ایران بوده است.

این مقاله به بررسی تأثیرات مختلف افزایش قیمت بنزین بر اقتصاد ایران از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی می‌پردازد. تأثیرات اقتصادی

تورم و افزایش هزینه زندگی

یکی از پیامدهای فوری افزایش قیمت بنزین، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و به دنبال آن افزایش قیمت کالاها و خدمات است. در کشوری مانند ایران که بخش بزرگی از کالاها از طریق حمل‌ونقل جاده‌ای توزیع می‌شود، افزایش هزینه‌های سوخت می‌تواند به سرعت به افزایش قیمت نهایی کالاها منجر شود و در نتیجه نرخ تورم را بالا ببرد. این موضوع به ویژه برای خانوارهای کم‌درآمد تأثیرات منفی قابل‌توجهی دارد.

کاهش قدرت خرید

با افزایش هزینه‌های زندگی، قدرت خرید خانوارها کاهش می‌یابد. این موضوع می‌تواند به کاهش تقاضای مصرفی منجر شود و در نتیجه باعث رکود اقتصادی گردد. رکود اقتصادی می‌تواند به کاهش اشتغال و افزایش نرخ بیکاری نیز منجر شود، زیرا بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی توانایی تحمل افزایش هزینه‌ها را ندارند و ایران به خودکفایی در تولید این محصول دست یافت. در سال ۱۴۰۲، تولید بنزین به حدود ۱۱۵ میلیون لیتر در روز افزایش یافت، اما به دلیل افزایش مصرف، نیاز به واردات نیز وجود داشت که به ۳۰ میلیون لیتر در روز رسید. تحولات در ظرفیت پالایشگاه‌ها و احداث واحدهای جدید مانند پالایشگاه ستاره خلیج فارس نقش عمده‌ای در افزایش تولید بنزین داشته است. بنابراین، اختلاف زیادی میان قیمت واقعی تولید و قیمت فروش وجود دارد، که این موضوع در بحث‌های مربوط به اصلاح یارانه‌ها و قیمت‌گذاری بنزین مورد توجه قرار می‌گیرد. میزان واردات بنزین ایران طی دهه‌های اخیر روندی متغیر داشته است. در اوایل انقلاب، ایران واردات بنزین نداشت.

افزایش قیمت بنزین در ایران همواره یکی از موضوعات مهم در ایران بوده است. بنزین به عنوان یکی از مهم‌ترین حامل‌های انرژی در ایران، نقش اساسی در اقتصاد کشور ایفا می‌کند. افزایش قیمت بنزین نه تنها تأثیرات مستقیم بر تمامی هزینه‌های زندگی خانوارها، بلکه پیامد‌های گسترده‌ای بر تولید، حمل‌ونقل، تورم و اشتغال نیز به همراه دارد. قیمت بنزین در ایران از سال ۱۳۳۰ تاکنون تغییرات بسیاری داشته است. در دهه ۱۳۳۰، قیمت هر لیتر بنزین حدود ۵ ریال بود. در طول دهه‌های بعد، افزایش قیمت‌ها به تدریج و گاهی به صورت جهشی رخ داد.

دهه ۱۳۷۰: در سال ۱۳۷۴، قیمت بنزین از ۵ تومان به ۱۰ تومان رسید که دو برابر شد. این افزایش در راستای سیاست‌های تعدیل اقتصادی بود، اما باعث تورم شدید شد.  
دهه ۱۳۸۰: در سال ۱۳۸۱، قیمت بنزین به ۵۰ تومان و در سال ۱۳۸۳ به ۸۰ تومان افزایش یافت. این دوره از باثبات‌ترین دوره‌ها بود، اما پس از آن طرح تثبیت قیمت‌ها اجرا شد که تأثیرات منفی بر اقتصاد داشت.

دهه ۱۳۹۰: با اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها در سال ۱۳۸۹، قیمت بنزین سهمیه‌ای به ۴۰۰ تومان و آزاد به ۷۰۰ تومان رسید. در سال‌های بعد نیز افزایش تدریجی ادامه داشت تا در سال ۱۳۹۸ قیمت بنزین سهمیه‌ای به ۱۵۰۰ تومان و آزاد به ۳۰۰۰ تومان رسید. این افزایش‌ها تأثیرات گسترده‌ای بر اقتصاد و زندگی مردم داشته و همواره یکی از مسائل چالش‌برانگیز سیاست‌های اقتصادی ایران بوده است. این مقاله به بررسی تأثیرات مختلف افزایش قیمت بنزین بر اقتصاد ایران از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی می‌پردازد.

# تأثیرات افزایش قیمت بنزین در اقتصاد ایران





همراه دارد. این اقدام منافی از جنبه‌های مختلف دارد که در ادامه به تفکیک بررسی می‌شود:

**منافع اقتصادی:** افزایش درآمدهای دولت یکی از بزرگ‌ترین منافع افزایش قیمت بنزین، افزایش درآمدهای دولت از طریق فروش داخلی و کاهش یارانه‌های انرژی است. این درآمدها می‌توانند در بخش‌های مختلف مانند زیرساخت‌ها، بهداشت، آموزش و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری شوند.

کاهش بار مالی یارانه‌ها: یارانه‌های انرژی به‌ویژه در بخش بنزین، فشار مالی زیادی بر دولت وارد می‌کند. با افزایش قیمت، این بار مالی کاهش یافته و منابع آزادشده می‌توانند برای پروژه‌های اولویت‌دار تخصیص یابند. کاهش مصرف و کنترل قاچاق سوخت قیمت پایین بنزین در مقایسه با کشورهای همسایه، انگیزه‌ای قوی برای قاچاق سوخت ایجاد می‌کند. افزایش قیمت، می‌تواند این انگیزه را کاهش داده و مصرف داخلی را بهینه کند.

**چالش‌ها و تهدیدات**

**نارضایتی عمومی و اعتراضات اجتماعی**

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های دولت، بروز نارضایتی عمومی و احتمال اعتراضات مردمی است. این اعتراضات می‌تواند به بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی منجر شود و دولت را تحت فشار قرار دهد. افزایش تورم و فشار بر اقشار کم‌درآمد افزایش قیمت بنزین مستقیماً بر هزینه‌های حمل‌ونقل و قیمت کالاها تأثیر گذاشته و تورم را افزایش می‌دهد. این مسئله می‌تواند فشار زیادی بر اقشار کم‌درآمد وارد کند و نیاز به سیاست‌های جبرانی جدی داشته باشد.

کاهش اعتماد عمومی: اگر افزایش قیمت بنزین بدون شفاف‌سازی و ارائه راهکارهای حمایتی مناسب انجام شود، می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی به دولت منجر شود. کاهش اعتماد عمومی ممکن است به کاهش مشارکت مردم در برنامه‌های دولت و افزایش بی‌اعتمادی عمومی بیانجامد.

راهکارهای پیشنهادی: برای کاهش پیامدهای منفی و افزایش بهره‌مندی از منافع افزایش قیمت بنزین، دولت می‌تواند اقداماتی انجام دهد: پرداخت یارانه نقدی یا غیرنقدی به اقشار آسیب‌پذیر، توسعه حمل‌ونقل عمومی و کاهش هزینه‌های آن و اطلاع‌رسانی شفاف و اقناع عمومی و توسعه زیرساخت‌های انرژی جایگزین

**نتیجه‌گیری**

افزایش قیمت بنزین برای دولت ایران یک شمشیر دو لبه است. اگرچه این اقدام می‌تواند به بهبود وضعیت مالی و کاهش مصرف سوخت کمک کند، اما نیازمند مدیریت دقیق و اتخاذ سیاست‌های حمایتی است تا از بروز نارضایتی‌های اجتماعی و اقتصادی جلوگیری شود. افزایش قیمت بنزین تأثیرات چندجانبه‌ای بر اقتصاد و جامعه ایران دارد. در حالی که این اقدام ممکن است به کاهش مصرف سوخت و بهبود وضعیت زیست‌محیطی منجر شود، اما چالش‌های اقتصادی و اجتماعی جدی نیز به دنبال خواهد داشت. بنابراین، اتخاذ سیاست‌های جبرانی و مدیریت صحیح این تغییرات برای کاهش پیامدهای منفی ضروری است.

**منابع**

خبرگزاری ایلنا، ایران جیب، امار فکت، گسترش نیوز، Fararu.Eghtesad Online  
 naftiha.ir تجارت نیوز، Akhari khabar، خبر آنلاین، Tasnim News  
 پوریا حکیم پور جهان ابادی ، سوگند ساداتی  
 دانشجویان کارشناسی اقتصاد دانشگاه صنعتی شاهرود



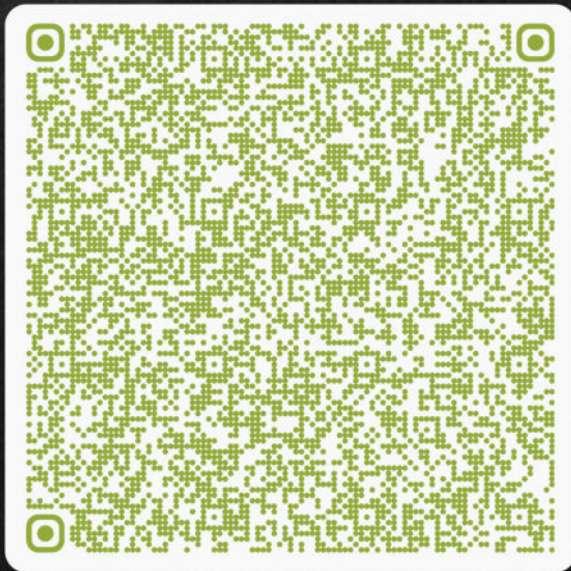


03.

04

05

06



الجامعة العراقية  
الكلية الاقتصادية والإدارية  
جامعة القادسية

